

روابط عمومی نیروی دریایی ارتش اعلام کرد ظهر امروز، تیم‌های رصد نیروی دریایی ارتش که دائماً در حال رصد و کنترل شرق تنگه هرمز، هستند، یک فروند نفتکش متخلف را که در دریای عمان و محدوده شرق تنگه هرمز دچار حریق شده و از حرکت بازمانده بود را کشف و شناسایی کردند. روزهای گذشته نیز تعدادی از نفتکش‌های متخلف آتش گرفته که بدون توجه به هشدارها مبنی بر لزوم روشن بودن تجهیزات الکترونیکی، قصد عبور از مناطق ممنوعه را داشتند توسط دلاورمردان ارتش و سپاه گزارش شده بود. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه بر شرق تنگه هرمز، دریاهای عربی و عمان، کنترل کامل و اشراف اطلاعاتی داریم و از خطرات تردد در مناطق ممنوعه آگاهییم، تاکید کرد؛ علیرغم تبلیغات و جوسازی‌های رئیس جمهور جنایتکار آمریکا، تنگه هرمز باز نیست و لازم است کشورها فریب این دروغ‌ها را نخورند و برای تردد امن با نیروهای مسلح هماهنگ باشند.

تیم در نوا

رسانه صهیونیستی: ناامنی در نواتیم بیداد می‌کند

چک الکترونیک

تیر خلاص بانک مرکزی به فرار مالیاتی و شرخری

کارت بازی «بیرو» تمدید می‌شود؟



آینه نبض متلاطم اقتصاد آمریکا

ادامه تظاهرات در فرانسه

در بازده اوراق ۳۰ ساله

قطع دست یک معترض در حمله پلیس

پزشکیان: وقت عبور از نظریه پردازی و تبدیل راهکارهای بهره‌وری به اجراست



■ مسعود پزشکیان، در نشست علمی «بررسی طرح نظام تحول و ارتقای بهره‌وری شرکت‌های دولتی» که با حضور وزرای امور اقتصادی و دارایی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و علوم، تحقیقات و فناوری و جمعی از استادان دانشگاه برگزار شد، بر ضرورت گسترش همکاری و هم‌افزایی میان دانشگاه‌ها و دستگاه‌های دولتی و اجرایی تأکید کرد.رئیس‌جمهور با اشاره به پیشنهادها و راهکارهای مطرح‌شده در این نشست اظهار داشت: پیشنهادهای ارائه‌شده درباره موضوع محوری این نشست علمی، مفید و قابل استفاده است؛ اما مسئله اساسی، عبور از مرحله نظریه‌پردازی و هدایت این راهکارها به سمت اجراست. برای تحقق این هدف، باید کار گروه‌هایی متشکل از استادان مجرب دانشگاه و نخبگان حوزه‌های علمی و پژوهشی تشکیل شود.پزشکیان همچنین تأکید کرد که مأموریت نهادهای متولی بهره‌وری نباید صرفاً به اندازه‌گیری شاخص‌ها محدود بماند، بلکه این نهادها باید با افزایش حساسیت سازمان‌ها و ذی‌نفعان نسبت به اهمیت بهره‌وری، پایش مستمر عملکردها و تقویت قابلیت‌های سازمانی، زمینه‌سازکت مؤثر بخش‌های مختلف را فراهم کنند.رئیس‌جمهور، سیاست‌گذاری مبتنی بر عملکرد را یکی از الزامات اساسی برای تحقق اهداف کلان و حل مسائل پیچیده کشور دانست و گفت: طرح‌ها و ایده‌های اجرایی باید بر پایه فرایندهایی طراحی شوند که به نتایج ملموس منتهی شوند. برای دستیابی به این نتایج نیز باید مجموعه‌ای از عوامل مؤثر، از جمله قوانین و مقررات، وضعیت نیروی انسانی، آموزش، تغییرات سیاستی و چالش‌های موجود، مورد توجه قرار گیرد.پزشکیان با اشاره به ظرفیت‌های علمی و تخصصی کشور افزود: ظرفیت‌های ارزشمندی در کشور و دانشگاه‌ها وجود دارد که می‌تواند با توسعه همکاری‌های بین‌بخشی و فرابخشی، از آن‌ها برای پیشبرد سیاست‌ها و راهبردهای مورد نظر بهره گرفت. شفافیت، مشارکت، نوآوری و ایجاد ظرفیت‌های لازم برای همکاری میان دستگاه‌ها نیز از مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری و تقویت این اکوسیستم به شمار می‌روند.وی با اشاره به هم‌سویی دیدگاه‌های رهبر شهید انقلاب و مقام معظم رهبری با دولت در زمینه ساماندهی، تحول و ارتقای بهره‌وری شرکت‌های دولتی، از استادان و نخبگان دانشگاهی خواست ابداع حقوقی این موضوع را بهدف بررسی کنند تا در فرآیندهای اجرایی از بروز تنش و اصطکاک میان بخش‌های نظارتی و بازاری جلوگیری شود.پزشکیان افزود: اجرای الگوهای تحول‌آفرین باید بر اساس نقشه راهی روشن و مشخص صورت گیرد. دولت آمادگی دارد از ایجاد و تقویت ارتباط میان شرکت‌ها و دانشگاه‌ها حمایت کند و زمینه لازم را برای هم‌افزایی و انجام فعالیت‌های مشترک فراهم آورد.

رئیس‌جمهور، ارتقای دانشگاه‌ها و مراکز علمی از نسل دوم به نسل‌های سوم و چهارم را از دیگر ضرورت‌های نظام علمی کشور برشمرد و اظهار داشت: در بخش‌های اقتصادی، مدیریتی، صنعتی، کشاورزی و علمی، دانشجویان باید در کنار فراگیری مباحث نظری، مهارت‌های عملی مورد نیاز را نیز کسب کنند و با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و الگوهای موفق جهانی، برای حل مسائل واقعی جامعه آماده شوند.پزشکیان با تأکید بر اهمیت نقش دانشگاه‌های استانی تصریح کرد: باید تا حد امکان اختیارات به استان‌ها واگذار شود؛ چراکه در این مناطق نیز نخبگان و ظرفیت‌های علمی ارزشمندی حضور دارند که می‌توانند در مسیر توسعه و شکوفایی کشور نقش‌آفرینی کنند.رئیس‌جمهور همچنین از استادان دانشگاه خواست طرح و ساختار مدیریت اقتصادی دانشگاه‌ها را تدوین و تصویب کنند. وی در این زمینه گفت: دانشگاه‌ها می‌توانند با مشارکت در اجرای طرح‌ها و ارائه خدمات تخصصی، بخشی از هزینه‌های خود را تأمین کنند و وابستگی مالی خود به دولت را کاهش دهند. دولت نیز مسیر همکاری فعال و پویا میان دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی را هموار خواهد کرد.وی در ادامه با اشاره به وجود هماهنگی و هم‌افزایی میان مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه، بر ضرورت بهره‌گیری از این ظرفیت برای پیشبرد برنامه‌های تحول‌آفرین با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز علمی تأکید کرد.رئیس‌جمهور، اندازه‌گیری نتایج عملکردی در سطح بنگاه‌ها و شرکت‌ها



رسانه اسرائیلی: ناامنی در نواتیم بیداد می‌کند

شبکه 12 تلویزیون رژیم صهیونیستی در گزارشی به بررسی اوضاع امنیتی منطقه نواتیم واقع در جنوب (فلسطین اشغالی) پرداخت و به نقل از برخی از ساکنان خبر داد که درگیری‌های مسلحانه در چند متری خانه‌های آنها رخ می‌دهد.در این گزارش که ظهر امروز جمعه در بخش خبری این شبکه تلویزیونی هم پخش شد ساکنان نواتیم نگرانی شدید خود را از گسترش درگیری‌های مسلحانه خیابان در این منطقه ابراز داشتند و تأکید کردند این درگیری‌ها در نزدیکی خانه‌ها رخ می‌دهد در حالی که کودکان آنها در خیابان بودند با این وجود پلیس اعلام کرد که در حال بررسی این حوادث است. خبرنگار این رسانه در ادامه گزارش خود گفت: یکی از ساکنان در گروه واتس‌آپ محله نوشت: «از زندگی در اینجا می‌ترسم. تازه از پیش دوستی برگشته‌ام که به تلخی گریه می‌کرد، چون مجبور است از اینجا فرار کند. احساس می‌کنم روزی که برای کشتن ما بیاید بسیار نزدیک است».این صهیونیست همچنین با توجه به شرایط موجود، از عملکرد مسئولان به‌شدت انتقاد کرد و نوشت: «مسخره است که اسرائیل، ارتشی مستقر در داخل خود (باند‌های تبهکار) را - آن هم در منطقه‌ای که متخاصم تلقی نمی‌شود - نادیده می‌گیرد و به آن پاسخ نمی‌دهد». یکی دیگر از ساکنان، تحولات تیراندازی و ترسی را که برای کودکان منطقه وجود داشت، توصیف کرد. او در گروه محلی نوشت: «در 40 متری خانه‌های شهروندان تیراندازی شد، تیراندازی در حالی که کودکان ما در این اطراف مشغول رفت‌وآمد بودند. دروازه بدون نگهبان باز است، زیرا ما در جایی زندگی می‌کنیم که خطرناک محسوب نمی‌شود». او گفت با توجه به احتمال این که تیراندازی‌ها در آینده جان ساکنان منطقه را به خطر بیندازد احساس ناامنی در حال افزایش است. وی هشدار داد: «روزی که تصمیم بگیرند، فرزندان ما کشته خواهند شد».

ساکنان تأکید می‌کنند حوادث تیراندازی که امروز گزارش کرده‌اند، اولین مورد از این دست در منطقه نیست. آنها می‌گویند این واقعیتی است که نگرانی‌های روزافزونی را ایجاد می‌کند و از مسئولان می‌خواهند برای جلوگیری از هرگونه آسیب احتمالی به ساکنان و کودکان، اقدام فوری انجام دهند.پلیس در واکنش به این گزارش‌ها ادعا کرد: «ماموران مرکز پلیس ارتور تحقیقات درباره این حادثه را آغاز کرده‌اند».

گفتنی است برخی از رسانه‌های صهیونیستی توزیع گسترده سلاح توسط بن گویر بین شهرک نشینان را یکی از عوامل مهم گسترش درگیری‌های مسلحانه در نقاط مختلف فلسطین اشغالی می‌دانند. آلون بن دیوید خبرنگار ارشد مسائل نظامی شبکه 13 تلویزیون رژیم صهیونیستی در مقاله‌ای که در وب سایت معاریو منتشر شد، اعتراف کرد: بعید می‌داند که شکایت قضایی رئیس سابق شایاک علیه نخست وزیر بتواند به جایی برسد و این مشکل از این طریق حل شود یا این حال صرف این افشاگری‌ها بیانگر شرایطی است که اسرائیل قبل از 7 اکتبر (طوفان الاقصی) در آن به سر می‌برد.وی در مقاله خود افزود: اینکه شکایت قضایی پرسروصدایی که رئیس پیشین سازمان امنیت عمومی اسرائیل (شایاک)، رونین بار، این هفته علیه نخست‌وزیر مطرح کرده است، در دادگاه به نتیجه برسد یا نه، محل تردید است.بار که به‌شدت از فشار افکارها و دروغ‌ها متأثر شده بود، کفرخواستی تند علیه نتانیاهو را در دستور کار افکار عمومی قرار داد و برای او مهم بود که این کار را پیش از انتخابات انجام دهد.

بار نیز مانند دیگران، طی هفته‌های اخیر به ابداع واقعی جمل و تحریفی پی برد که در دفتر نخست‌وزیری جریان دارد و هدف آن تحریف تاریخ است.

آخرین ضرب‌ای که رئیس پیشین سازمان امنیت عمومی اسرائیل (شایاک) را واداشت سکوت خود را بشکند، مطلبی بود که بنیامین نتانیاهو در 28 سپتامبر منتشر کرد. او در این مطلب، بار را به «پنهان‌کاری درباره حقایق و ارتکاب جرایم» متهم و نظر به‌های توطئه‌ای را تکرار کرد که مدعی بودند بار و رئیس وقت ستاد کل ارتش، هرستی هالیوی، وقایع شب 6 تا 7 اکتبر را طراحی کرده و تصمیم گرفته بودند اطلاعات را از نخست‌وزیر پنهان کنند. در شکایت قضایی بار به اسناد محرمانه استناد شده، اما محتوای این اسناد به‌طور کامل افشا نشده است. بار این شکایت در خواستی برای رفع محرمانه مکالماتی مطرح شده که بار در سال پیش از (شکست در عملیات طوفان الاقصی) با نتانیاهو انجام داده بود. در این مکالمات، سازمان امنیت عمومی اسرائیل (شایاک) بارها درباره جنگ و تقویت جنبش حماس در غزه هشدار داده بود؛ هشدارهایی که نتانیاهو نادیده گرفت.

اگر اسناد افشا شود، ترجیح بند مورد استفاده نتانیاهو برای به‌تعمیق‌انداختن تصمیم‌ها آشکار خواهد شد.نتانیاهو که هر جلیسه، هنگامی که شایاک توصیه می‌کرد: رهبران حماس کنار گذاشته شوند، سخنان خود را با این عبارت به پایان می‌رساند: «دستور می‌دهم اجرای توصیه‌ها ادامه یابد».



گسترش انتقادات از جنگ علی‌اف با حجاب

پایگاه خبری عبری زبان وای نت در گزارشی که عصر شنبه منتشر شد اعلام کرد که اکثر انتقادات و حتی کاریکاتورهای منتشر شده علیه رئیس‌جمهور آذربایجان حول محور وابستگی و همکاری وی با اسرائیل است، انتقاداتی که بعد از صدور قانون حجاب شدت بیشتری به خود گرفته است.

به نوشته این پایگاه اطلاع رسانی صهیونیستی: در سایه قانون حجاب که دولت باکو اعلام کرده است، کارزار اینترنتی به راه افتاده که الهام علی‌اف را دشمن اسلام و حامی اسرائیل معرفی می‌کند. این رسانه عبری در ادامه مدعی شد که برآوردها حاکی از آن است که طرف‌های از ترکیه، ایران و روسیه پشت این کارزار قرار دارند. ماه گذشته، پس از آنکه دولت باکو مقررات جدیدی را صادر کرد که بر اساس آن، حضور دانش‌آموزان در مدارس با لباس‌هایی مغایر با یونیفورم رسمی یا ناسازگار با ماهیت سکولار آموزش دولتی (واژه های فریبنده برای توجیه جنگ با حجاب از سوی حکومت باکو) ممنوع شده تنش‌ها در داخل جمهوری آذربایجان، به‌طور مشخص مقررات صادرشده از سوی دولت جمهوری آذربایجان، به‌طور مشخص به حجاب اشاره نشده بود؛ اما پس از اجرای آن، گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه از ورود دانش‌آموزان دختر و معلمانی که حجاب دارند به مدارس جلوگیری شده است.

قانون حجاب موضوعی داخلی در جمهوری آذربایجان است؛ اما طی روزهای اخیر، نظریه‌های در اینترنت مطرح شده‌اند که بر اساس آنها، روابط نزدیک جمهوری آذربایجان و اسرائیل از جمله دلایلی بوده که مقام‌های جمهوری آذربایجان را به تصویب قانونی در این زمینه سوق داده است.

هیزمان با گسترش این نظریه‌ها، کاریکاتورهایی در اینترنت منتشر شده‌اند که با استفاده از کلیشه‌های ضد اسرائیلی، مانند پینی دراز، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان، الهام علی‌اف، را به تمسخر می‌گیرند. در این کاریکاتورها، علی‌اف به‌گونه‌ای به تصویر کشیده شده است که گویی دستورات بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، را اجرا می‌کند و فردی است که در پی آسیب رساندن به اسلام است. در یکی از این کاریکاتورها، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان در حالی به تصویر کشیده شده که زانو زده و با طنایی بسته شده است که نتانیاهو آن را در دست دارد.

وای نت در ادامه گزارش خود نوشت: ترکیه متحد مهمی برای جمهوری آذربایجان به شمار می‌رود؛ اما مقام‌هایی از حزب عدالت و توسعه، به رهبری رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، این قانون را مورد انتقاد قرار داده‌اند. اظهارات خود اردوغان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماه گذشته نیز مورد پسند باکو قرار نگرفت؛ او در آنجا به «کسانی که استفاده از حجاب در مدارس را محدود می‌کنند» حمله کرد. اگرچه اردوغان نام کشوری را که چنین اقداماتی انجام می‌دهد مشخص نکرد، جمهوری آذربایجان به‌خوبی منظور او را دریافت. بیش از 100 دامنه اینترنتی متعلق به نهادهای و سازمان‌های دولتی جمهوری آذربایجان هدف یک حمله گسترده سایبری قرار گرفت که در پی آن، اختلالات و قطعی‌های شدیدی در فعالیت و خدمات‌رسانی وبسایت‌های چند دستگاه اجرایی و حاکمیتی این کشور ایجاد شد.

بر اساس گزارش رسمی سرویس دولتی امنیت ارتباطات ویژه و امنیت اطلاعات جمهوری آذربایجان، این حملات سازمان‌یافته در تاریخ 13 اکتبر و حدود ساعت 22 به وقت باکو آغاز شد و توسط یک گروه هکری خارج از مرزهای این کشور هدایت شد. سرویس دولتی امنیت اطلاعات آذربایجان اعلام کرد که با اتخاذ تدابیر فنی و فوری، دامنه و تأثیرات این حمله محدود شده و پایداری فعالیت وبسایت‌ها مجدداً تأمین شد. با این حال، جزئیات دقیق درباره شیوه فنی به کار رفته، هویت عاملان اصلی و انگیزه واقعی این اقدام سایبری هنوز از سوی مقامات رسمی منتشر نشده است. در این میان، رسانه «میدان تیوی» در گزارشی تحلیلی به گمانه‌زنی‌ها و بحث‌های جاری در محافل رسانه‌ای اشاره کرد که بر اساس آن‌ها، احتمال داده می‌شود این حمله با تحرکات و جریانات خاصی در کشور ترکیه مرتبط باشد.

بروز این حادثه علاوه بر زیر سوال بردن میزان تاب‌آوری و امنیت زیرساخت‌های دیجیتال دولت آذربایجان، موجی از گمانه‌زنی‌ها را درباره انگیزه‌های احتمالی سیاسی در پشت پرده این اقدام برانگیخته است. اگرچه داده‌های موجود اختلال در دسترسی به سایت‌ها را تأیید می‌کنند، اما هنوز تصویر کاملی از ابعاد دقیق فنی و پیامدهای پنهان این نفوذ ارائه نکرده‌اند.

بر اساس نخستین گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های محلی جمهوری آذربایجان، دسترسی کاربران به وبسایت‌های کلیدی و حساسی از جمله هیئت وزیران و وزارت کشور، وزارت حالات فوق‌العاده، وزارت بهداشت و مرکز دولتی آزمون با مشکلات و اختلالات جدی مواجه شد. پس از بروز قطعی‌های همزمان در منابع اینترنتی نهادهای مختلف دولتی، مقامات باکو ناچار به صدور اعلامیه رسمی و تأیید وقوع حمله سایبری شدند.

در بیانیه رسمی تأیید شد که بیش از 100 دامنه دولتی هدف قرار گرفته‌اند؛ با این حال، مقامات تأکید کردند که این رقم به معنای موفقیت‌آمیز بودن نفوذ در تمام این آدرس‌ها یا تسلط هکرها بر تمامی سیستم‌ها نیست. کارشناسان معتقدند باید میان منابعی که صرفاً هدف حمله قرار گرفته‌اند و سیستم‌هایی که متحمل خسارت و آسیب واقعی شده‌اند تفکیک قائل شد.

نکته قابل توجه در بیانیه رسمی این است که مشخص نشده کدام وبسایت‌ها و به چه مدتی کاملاً از دسترس خارج شده‌اند و آیا این قطعی‌ها صرفاً صفحات اطلاع‌رسانی را در بر گرفته یا خدمات الکترونیک عمومی را نیز مختل کرده است. سرویس دولتی آذربایجان تنها به این نکته بسنده کرده که تدابیر حفاظتی برای تأمین امنیت سایبری همچنان ادامه دارد.

هاآرتص: حتی راست‌گرایان آمریکاهم از هم پیمانی با اسرائیل خسته شده‌اند



هستم، در اسرائیل، نازی بودن واقعاً عجیب است» همه این‌ها مقدمه‌ای بود برای سخنرانی‌ای که هدف اصلی آن روشن کردن یک موضوع برای یهودیان و یهویزه اسرائیلی‌ها بود: آمریکا از ائتلاف دیرینه خود با اسرائیل خسته شده است، او گفت: «به کسانی که می‌گویند امور باید صرفاً به این دلیل اتفاق بیفتند که در کتاب مقدس آمده‌اند، احترام می‌گذارم؛ اما در واقع، دیگر این منطق معتبر نیست.

جوانان بسیاری در جناح راست از دین نمایندگان کنگره که تمام سال پرچم اسرائیل را در دفتر خود نصب کرده‌اند، تعجب می‌کنند. آن‌ها پرسش‌هایی مطرح می‌کنند.» بولف گفت: «در طول 30 سال گذشته، بهای سنگینی با خون، جان هزاران نفر و میلیارد دلار در جنگی در منطقه‌ای پرداخته‌ایم که بسیاری درباره فایده کاری که انجام می‌دهیم، تردید دارند.» او افزود: «اگر رئیس‌جمهور ترامپ درباره ایران و خاورمیانه به توصیه من گوش می‌داد، به او می‌گفتم شاید بهتر باشد این بار چنین کاری نکنیم... آمریکا کشوری است که از جنگ‌ها خسته شده و این موضوع به‌ویژه درباره نسل جوان صدق می‌کند.» این کنفرانس سه روز ادامه داشت، اما جلسای که بولف در آن شرکت کرد، احساسات بسیاری از حاضران را برانگیخت، حتی برخی از اعضای انجمن کوهبیت که در میان حاضران بودند، از این اظهارات شوکه شدند. بر گزارکننده کنفرانس گفت یکی از شرکت‌کنندگان «توانست خودش را کنترل کند» و در واکنش به این سخنان، از او خواسته شد محل را ترک کند. شرکت‌کنندگان می‌پرسیدند چرا مسیحیان انجیلی به نفع یهودیان و کاتولیک‌ها به حاشیه رانده می‌شوند. سخنرانان کنفرانس تلاش زیادی کردند تا برای مخاطبان یهودی توضیح دهند که از نظر حامیان ترامپ، جایگاه آن‌ها تا چه اندازه محدود و کاهمیت است. بولیماس بولف، ملی‌گرای اپوزیست و مقام ارشد پیشین پنتاگون، تأکید کرد که آمریکا از جنگ‌های خاورمیانه خسته شده است و گفت جوانان می‌پرسند چرا پرچم اسرائیل در کنگره برافراشته است. متیو پیترسون، از چهره‌های برجسته جنبش «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم»، نیز گفت که مسیحیت ملزم به حمایت کورکورانه از اسرائیل نیست.

این سخنرانی‌ها که پیام محوری آن‌ها «دیگر بس است؛ دست از گلابه

چه کسی نسل جدید را به تبعیدگاه مجازی برد؟



انسانی صاحب خرد می‌داند.

در گام دوم این گفت‌وگوهای انتقادی و خردمحور نباید در خلأ صورت گیرد و به یک تبادل کلامی بی‌روح تقلیل یابد. این تعاملات باید از آشنخور زلال فرهنگ و ارزش‌های اصیل ایرانی و اسلامی سیراب شوند. وقتی گفت‌وگو با مفاهیم والایی چون خرد و داد و مهر فریه و غنی شود قدرت آن را پیدا می‌کند که در رقابت نفس‌گیر با جهان‌های موازی و پرشمار وارداتی جایگاه شایسته و مقبول خود را در ذهن و قلب جوان ایرانی باز کند و او را از بحران بی‌هویتی نجات دهد.

امیری طهرانی در ادامه مباحث خود به معرفی ابزارهای موجود در این زرادخانه فرهنگی پرداخت و تأکید کرد که جهان ایرانی برای پر کردن این شکاف مهیب دست خالی نیست. این تمدن می‌تواند از گنجینه بی‌ظلیر و میراث فرهنگی خود شامل حکمت عمیق و فلسفه استدلالی و عرفان انسان‌ساز و ادبیات غنی و شعر شورآفرین و هنرهای تجسمی و موسیقی اصیل و آداب‌ورسوم دیرینه و آیین‌های جمعی و خاطره‌های مشترک و روایت‌های حماسی به بهترین شکل ممکن بهره‌برداری کند. هر کدام از این عناصر به تهایی قدرت آن را دارند که به یک پل ارتباطی مستحکم میان نسل قدیم و جدید تبدیل شوند و حس تعلق به آبیوخاک و هویت ملی را در وجود جوانان زنده نگه دارند و آن‌ها را در برابر هجوم فرهنگی واکنسینه کنند.بخش پایانی سخنان رئیس پژوهشگاه علوم انسانی به نقش دوگانه و شمشیر دولبه رسانه اختصاص یافت. وی تأکید کرد رسانه که تا امروز متهم ردیف اول ایجاد شکاف میان‌نسلی و خلق جهان‌های موازی بوده است اتفاقاً می‌تواند ناجی این میدان نیز باشد. اگر رسانه از میراث گران‌سنگ فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی بهره‌مند شود و اگر یک اراده قاطع اصلاح‌گر و برنامه‌ریزی علمی و درخور پشت آن قرار گیرد می‌توان از همین ابزار قدرتمند برای ترمیم شکافها استفاده کرد. رسانه ملی و پلتفرم‌های داخلی می‌توانند زبان مشترک میان جهان‌های موازی را خلق کنند و اعضای خانواده را دوباره دور یک میز مجازی و حقیقی گرد هم آورند.اما تحقق این هدف بزرگ و تاریخی پیش‌شرطی غیرقابل‌انکار و حیاتی دارد. ترمیم شکاف میان‌نسلی مستلزم ارتقای جدی و فراگیر سواد رسانه‌ای در سطح ملی است. امیری طهرانی با تأکیدب مضاعف یادآور شد که آموزش سواد رسانه‌ای دیگر نباید صرفاً به جوانان و نوجوانان محدود شود. امروز اولیای خانه‌ها و معلمان و مدیران مدارس و سیاست‌گذاران کلان و مسئولان اجرایی کشور

تصویر امروز بسیاری از خانه‌های ایرانی تصویری غریب و به شدت تأمل‌برانگیز است. اعضای یک خانواده اعم از پدر و مادر و فرزندان زیر یک سقف نشست‌ه‌اند و دور یک میز غذا می‌خورند و در یک فضای فیزیکی مشترک نفس می‌کشند اما از نظر ذهنی و روانی فرسنگ‌ها از یکدیگر دور هستند. هر کدام از آن‌ها صفحه درخشانی در دست دارند و در دنیایی سیر می‌کنند که دیگری هیچ راهی به آن ندارد و زبان آن را نمی‌فهمد. این سکوت سنگین و این فاصله پرناشدنی دیگر با نصیحت‌های سنتی و هشدارهای تکراری درباره آسیب‌های فضای مجازی درمان نمی‌شود. جامعه امروز با پدیده‌ای بسیار پیچیده‌تر و چندلایه‌تر روبه‌رو است و آن مهاجرت خاموش نسل‌ها به فضاهایی است که هیچ شباهتی به یکدیگر ندارند. برای این کلاف سردرگم راه‌حل مشترک و یافتن راه‌کاری عملی و بنیادین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میزبان دومین همایش ملی فرهنگ و رسانه و تحولات نسلی در ایران بود. همایشی که با عنوان فرعی و هوشمندانه از جهان واقعی تا جهان مجازی تلاش کرد تا به جای پاک کردن صورت مسئله به ریشه‌های این گسست بپردازد و برای این کلاف سردرگم راه‌حل یابد. در این رویداد دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پشت تریبون قرار گرفت و با طرح نظریه جهان‌های موازی زاویه دید کاملاً جدیدی را برای فهم این بحران اجتماعی گشود. وی بحث خود را با یک نگاه تبارشناسانه و دقیق به زیست فرهنگی ایرانیان در دهه‌های گذشته آغاز کرد و تحلیلی عمیق از تغییرات ساختاری جامعه ارائه داد. بر اساس تحلیل این استاد دانشگاه پیش از فراگیری فناوری‌های نوین ارتباطی و تسخیر خانه‌ها توسط اینترنت هر شهروند ایرانی مختصراً در جهان ایرانی خویش زندگی می‌کرد. مختصات این جهان کاملاً مشخص و قابل پیش‌بینی بود و افراد در یک اتمسفر فرهنگی همگن تنفس می‌کردند. فرد در آن روزگار یا اساساً با جهان‌های غیرایرانی و فرهنگ‌های بیگانه آشنایی نداشت یا اگر هم از طریق معدود رسانه‌های آن زمان با آن‌ها آشنا می‌شد آن جهان‌های بی‌رونی هیچ‌گونه سلطه و سیطره و جذابیتی برای او نداشتند که بخوانند مسیر زندگی و نظام ارزشی‌اش را تغییر دهند.

امیری طهرانی رسانه را در جهان معاصر تنها یک ابزار سرگرمی یا وسیله‌ای برای انتقال اخبار نمی‌داند. ایشان رسانه را بستری آماده و ناگزیر و در بسیاری از مواقع اعتیادآور توصیف می‌کند که جهان‌های غیرایرانی و سبکهای زندگی بیگانه را به راحت‌ترین شکل ممکن و حتی آسان‌تر از دسترسی به منابع فرهنگ بومی در اختیار شهروند ایرانی قرار می‌دهد. امروز دیگر مرزهای جغرافیایی و فرهنگی معنای کلاسیک خود را از دست داده‌اند. هر ایرانی در کنار جهان آشنای مادری خود هر لحظه با ده‌ها جهان متفاوت روبه‌روست و پیوسته و بدون وقفه در حال رفت‌وآمد ذهنی و روانی میان این فضاهای متناقض است.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی در تشریح این وضعیت توضیح داد که انسان ایرانی در این رفت‌وآمدهای رسانه‌ای ناگزیر دست به مقایسه می‌زند. وی جهان‌های رنگارنگ بی‌رونی و زرق‌وبرق‌های زندگی مدرن و هنجارهای متفاوت را با جهان ایرانی خود می‌سنجد و تفاوت‌ها را با تمام وجود لمس می‌کند و سازگار‌ی‌ها و تعارض‌ها را در ذهن خود حلاجی می‌کند. در این اتمسفر پرالتهاب فرد خود را در برابر یک انتخاب ناگزیر

جنگ تمدنی و حافظه تاریخی به تاراج‌رفته /مشکل ۳۰۰ چیست؟

■ ایران فقط یک نام نیست، تاریخی کهن است که روایت آن به دقت، شناخت و انصاف نیاز دارد. تاریخ ایران مجموعه‌ای از فرز و فرودها، دستاوردهای فرهنگی و تجربه‌های انسانی است که نمی‌توان آن را در چند تصویر سینمایی خلاصه کرد. امروزه بسیاری از مردم به‌جای کتاب‌های تاریخی و پژوهش‌های دانشگاهی، از طریق فیلم‌ها و سریال‌ها با تمدن‌های گذشته آشنا می‌شوند. ازاین‌رو، سینما به ابزاری تأثیرگذار در شکل‌دهی به حافظه تاریخی جوامع تبدیل شده است. ابزاری که گاهی مرز میان واقعیت و خیال را کمرنگ می‌کند.

فیلم «300»، ساخته زک اسنایدر محصول سال 2007، نمونه‌ای بحث‌برانگیز از این وضعیت است. این فیلم با بازنمایی نبرد ترموپیل، اسپارتیان را نماد شجاعت و آزادی و ایرانیان را نیرویی عظیم، بیگانه و تهدیدآمیز نشان می‌دهد. چنین روایتی شاید از نظر سینمایی جذاب باشد، اما پرسش اساسی این است: «مخاطبی که شناخت چندانی از تاریخ ایران باستان ندارد، پس از تماشای این فیلم چه تصویری از تمدن ایران با خود به همراه می‌برد؟»

پیش از هر نقدی باید یادآوری کرد جنگ خشایارشا با یونانیان، جنگ ایران و روم نبود. خشایارشا، پادشاه هخامنشی، در سال 480 پیش از میلاد به یونان لشکر کشید و در نبرد ترموپیل با نیروهای یونانی، از جمله اسپارتیان به فرماندهی لئونیداس، روبه‌رو شد. جنگ‌های ایران و روم به دوره‌های بعد، به‌ویژه دوران اشکانیان و ساسانیان، تعلق دارند. در نبرد ترموپیل، نیروهای یونانی شکست خوردند و سپاه خشایارشا از این گذرگاه عبور کرد. این واقعیت تاریخی را نمی‌توان برای ساختن روایتی دلخواه حذف کرد. پذیرش آن نیز به معنای انکار شجاعت اسپارتیان نیست، همان‌طور که ستایش مقاومت آنان نباید بهانه‌ای برای تحقیر ایرانیان باشد.مشکل اصلی فیلم «300» صرفاً بازنمایی یک نبرد نیست، بلکه روایت یک سوپه است. از یک طرف اسپارتیان با شجاعت و آزادی پیوند می‌خورند، درحالی‌که ایرانیان با تصاویر و رفتارهایی تهدیدآمیز به نمایش درمی‌آیند. خشایارشا نیز با ظاهری اغراق‌آمیز به شخصیتی نمایشی تبدیل می‌شود. تصویری که نمی‌توان آن را سندی درباره ظاهر یا شخصیت واقعی پادشاه هخامنشی دانست. این شیوه بازنمایی، پرسش‌هایی جدی درباره انتخاب‌های سازندگان ، سیاست پشت روایت فیلم و تأثیر آن‌ها بر مخاطب ایجاد می‌کند. البته هر فیلم تاریخی مستند نیست و سینما برای روایت داستان به تخیل و اغراق نیاز دارد. بااین حال، میان روایت هنری و ارائه تصویری گمراه‌کننده از گذشته تفاوت وجود دارد. هنگامی که قهرمانان یک اثر تقریباً یکسره مثبت و طرف‌مقابل مجموعه‌ای از صفات منفی معرفی می‌شود، پیچیدگی‌های تاریخی به حاشیه می‌روند و تاریخ به ابزاری برای شکل‌دهی به قضاوت مخاطب این سینما درباره ملت‌ها و تمدن‌ها تبدیل می‌شود. این مسئله درباره ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. مخاطبی که شناخت مستقیمی از تاریخ تمدن کهن ایران ندارد، ممکن است تصاویر سینمایی را با واقعیت اشتباه بگیرد.

موسیقی، چهره‌پردازی، جویهای ویژه و روایت احساسی با چاشنی جذایت، می‌توانند چنان تصویری ماندگار بسازند که اصلاح آن به سال‌ها آموزش و پژوهش نیاز داشته باشد. در بخشی از سینمای غرب، شرق گاه رازآلود، خشن و مستبد و متفاوت از غرب به تصویر کشیده می‌شود، روایتی که ممکن است غرب را نماد تمدن و آزادی و شرق را نماد تهدید معرفی

می‌بیند و حتی اگر نخواهد به صورت کاملاً ناخودآگاه از این فضاهای جدید تأثیر می‌پذیرد و جهان‌بینی او دچار دگردیسی می‌شود.

امیری طهرانی در اینجا به همان تصویر آشنا و تلخ خانواده‌های امروز بازگشت و تأکید کرد که امروزه شهروندان در سطح کلان جامعه و حتی اعضای یک خانواده در کوچه‌ت‌ترین واحد اجتماعی گرچه در یک خانه و یک سرزمین مشترک زندگی می‌کنند اما به جهان‌های کاملاً متفاوتی تعلق دارند. این جهان‌ها به صورت موازی با یکدیگر امتداد می‌یابند و هیچ نقطه تلاقی مشخصی با هم ندارند. در واقع تعلق خاطر اعضای یک خانواده به این جهان‌های موازی شکافی چنان ژرف و درهای چنان عمیق میان آن‌ها ایجاد کرده است که زبان یکدیگر را نمی‌فهمند و دغدغه‌های هم را درک نمی‌کنند و درک متقابلی از رنج‌ها و شادی‌های یکدیگر ندارند.حال در برابر این تصویر نگران‌کننده و هشدارآمیز پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان بر این شکاف هولناک میان نسل‌های مختلف چیره شد. چگونه می‌توان پیکر چندپاره و متکثر جامعه امروز را دوباره به یکدیگر پیوند داد و از فروپاشی خاموش خانواده‌ها جلوگیری کرد. دکتر امیری طهرانی برای پاسخ به این پرسش حیاتی به جای تجویز نسخه‌های سلیبی و محدودکننده و بخشنامه‌ای به سراغ ظرفیت‌های عظیم درونی و تاریخی رفت و راهکاری از دل همان فرهنگ اصیل ارائه داد.به باور وی این مأموریت خطیر جز با تکیه بر پشتوانه غنی فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی که در طول قرن‌های متمادی پیوستگی هویتی مردم این سرزمین را در برابر بحران‌ها تضمین کرده است میسر نخواهد بود. ایشان برای تبیین این پشتوانه به روایت حماسی و بی‌ظنیر حکیم ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه استاد کرد و یادآور شد که این تمدن ریشه‌دار بر سه پایه مستحکم خردورزی و داوروزی و مهرورزی استوار است. خرد و عدالت و محبت همان مفاهیم جهان‌شمول و قدرتمندی هستند که می‌توانند هر انسان سرگشته‌ای را به ریشه‌های اصیل خود بازگردانند و او را از سرگردانی در جهان‌های مجازی نجات دهند.بر همین اساس گام نخست و حیاتی برای برقراری ارتباط میان این جهان‌های موازی و پل زدن بر روی دره شکاف نسلی ترویج نهدانده فرهنگ گفت‌وگو است. اما نه هر گفت‌وگویی و نه با هر ادبیاتی. رئیس پژوهشگاه علوم انسانی با نقد شیوه‌های رایج و فرسوده تربیتی بر یک تغییر پارادایم و دگردیسی الزامی در شیوه ارتباط میان‌نسلی تأید کرد. وی با قاطعیت بیان داشت که دوران استفاده از سبک‌های سنتی مراقبت‌های والدینی به سر آمده است. دیگر نمی‌توان با نگاه مرید و مرادی و رویکردهای عمودی و یک‌طرفه معلم و شاگردی یا بحث‌های فرساینده جدلی و اقناعی با نسل جدید ارتباط برقرار کرد. نسل امروز تشنه شنیده شدن و فهمیده شدن و به رسمیت شناخته شدن است و در برابر تحکم مقاومت می‌کند.

بنابراین شیوه‌های ارتباطی باید به سرعت به سمت سبک‌های گفت‌وگومحور و خردورزانه و یادگیری انتقادی دوطرفه و استدلال‌های برهانی تغییر جهت دهند. پدران و مادران و مربیان آموزشی و متولیان فرهنگی باید بپذیرند که در این کارزار پیچیده تنها سلاح کارآمد احترام به شعور و مخاطب و ایجاد فضای امن برای تعامل و همدلی‌شی است. نسل جدید تنها زمانی به حرف نسل پیشین گوش می‌دهد که احساس کند بزرگترها نیز آماده شنیدن استدلال‌های او هستند و او را



کند. مخاطب نباید چنین تصویرهایی را بدون بررسی شواهد تاریخی، منابع اقتباس و زمینه تولید اثر بپذیرد. نقد منصفانه نیز باید به شواهد موجود و دانش و آگاهی تکیه کند، نه به نسبت دادن انگیزه‌های اثبات‌شده و روایت های جعلی. تمدن هخامنشی، با گستردگی جغرافیایی و تنوع مردمان خود، بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را با چهره یک پادشاه یا نتیجه یک نبرد شناخت. یونان باستان نیز یکپارچه نبود و دولت‌شهرهایی چون اسپارت و آتن ساختارهای سیاسی و اجتماعی متفاوتی داشتند. شناخت تاریخ هر دو تمدن به بررسی منابع متعدد، آثار باستانی و پژوهش‌های تاریخی نیاز دارد. شاید مسئله اصلی فیلم «300» این نباشد که چرا داستان مقاومت اسپارتیان را روایت کرده است، بلکه این باشد که چرا گاهی یک روایت سرگرم‌کننده به مبنای قضاوت درباره یک تمدن تبدیل می‌شود. آیا مخاطب می‌تواند میان واقعیت تاریخی، داستان‌پردازی و جهت‌گیری سازندگان تفاوت بگذارد؟ آیا رسانه‌ها مسئولیت توضیح این تفاوت را بر عهده می‌گیرند؟ در همین چارچوب، سخنان اخیر مارکو روبریو درباره موضوع فیلم (300) اسپارتی و رویارویی آنان با سپاه ایران، ضرورت نقد روایت‌های سیاسی از تاریخ را یادآوری می‌کند.

هنگامی که یک سیاستمدار آمریکایی در آتن از نبردی متعلق به بیش از دو هزار و چهارصد سال پیش برای ستایش تمدن غرب و ارزش‌های آن بهره می‌گیرد، باید از او پرسید چه بخش‌هایی از تاریخ برجسته ایران زمین را نادیده گرفته است و یا اصلاً در این رابطه آگاهی دارد؟ اگر تاریخ به روایت قهرمانی یک ملت و تهدیدآمیز جلوه دادن ملتی دیگر تقلیل یابد، دیگر با شناختی منصفانه روبه‌رو نیستیم، بلکه با استفاده گزینشی از گذشته در خدمت اهداف سیاسی امروز مواجهیم. آقای روبریو باید بداند که تاریخ ایران نه با نبرد ترموپیل آغاز می‌شود و نه با تصویرسازی فیلم



«سیلو» و دشمن‌سازی روی دیوار غار افلاطون

■ ژانر دیستوپیا و آثار پس‌آپوکالپتی همواره ابزاری برای بازنمایی ترس‌های جمعی انسان مدرن بوده‌اند. سریال سیلو (Silo) محصول اپل تی‌وی پلاس، اقتباسی موفق از مجموعه‌کتاب‌های سه‌گانه پرفروش «پشم» (Wool) نوشته‌ی هیو هاوی (Hugh Howey) است. این کتاب نیز با اقتباس از آثار یی چون بازی ویدئویی فال‌اوت (Fallout) شکل گرفت که هر دو بر پناهگاه‌های زیرزمینی و باقی‌مانده‌های حیات بشری پس از یک فاجعه‌ی ویرانگر تمرکز دارند. اما در حالی که فال‌اوت فضایی هجوآمیز و کنایی دارد، سیلو درام سیاسی، فلسفی و معمایی تیره و عمیقی را به تصویر می‌کشد که مرز میان بقا و سرکوب را بررسی می‌کند.داستان در یک سازه‌ی عظیم زیرزمینی 144 طبقه می‌گذرد که 10,000 نفر در آن زندگی می‌کنند. حاکمیت سیلو مدعی است دنیای بیرون مسموم و مرگبار است و هرکس قصد خروج داشته باشد یا درباره گذشته پرسد، محکوم به مرگ در فضای بیرون است. ربکا فرگوسن (Rebecca Ferguson) در نقش «جولیت نیکولز»، مهندس جستجوگری است که در پی کشف رازهای حاکمیت برمی‌آید. پیرنگ حول محور بحران حقیقت می‌چرخد: آیا دنیای بیرون واقعاً مسموم است یا حاکمان برای کنترل جامعه در درازمدت این حجاب دروغین را ساخته‌اند؟سیلو استعارای عمیق از وضعیت انسان مدرن و مفهوم «غار افلاطون» است. ساکنان سیلو، سایه‌های روی دیوار (نمایشگرهای بزرگ درون کافه) را به عنوان تمامیت واقعیت پذیرفته‌اند. «پنجره‌ی تمیز» سیلو، ابزار کنترل رسانه‌ای است؛ حاکمان با ساختن یک تصویر وحشتناک از بیرون، ترس را در جامعه نهادینه می‌کنند تا هیچ‌کس جرأت پرسش درباره‌ی «چرایی وجود» و «گذشته‌ی سانسورشده» را نداشته باشد.

پاک‌سازی تاریخ و نابودی هرگونه سند پیشین، ابزار اصلی مهندسی فراموشی در این جامعه است. در این فضای تمثیلی و غریب می‌توان پرسش‌های آشنایی را یافت که از آغاز بشریت وجود داشته‌اند: چرا اینجا هستیم؟ هدف ما چیست؟ چه کسی این سازه و جهان را ساخته و دلیل خلقت آن چیست؟ اما این اثر در جایی برای مخاطب ایرانی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که در انتهای فصل دوم (که پُل ارتباطی اصلی با فصل سوم است)، طی یک سکانس گذشتارنما (فلاش‌بک) شاهد گفتگوی یک ژورنالیست محقق و یک سیاستمدار در 352 سال پیش (زمان حال ما) در شهر واشینگتن دی.سی هستیم. در این سکانس علاوه بر باز شدن بعدی جدید از داستان، پای ایران نیز به ماجرا باز می‌شود. در این گفتگو، بحث به «یک بمب کثیف و حمله احتمالی از سوی ایران» کشیده شده و این تهدید به عنوان توجیه اصلی امنیتی برای ایجاد حالت فوق‌العاده در کشور مطرح می‌گردد. از همین مکالمه می‌توان دریافت که چگونه از دست‌آویز ایران‌هراسی برای توجیه پروژه‌های عظیمی چون ساخت سیلو برای نجات نسل بشر استفاده شده است. در گذشته‌نماهای مربوط به دوران پیش از فروپاشی در فصل سوم، پرده از استراتژی‌های نظامی ایالات متحده برداشته می‌شود؛ جایی که برنامه‌ریزی برای حملات پیشگیرانه، مستقیماً بر روی هدف‌گیری منابع و پایگاه‌های منتسب به ایران متمرکز بوده است. در همین سناریو، صحبت از انتشار ابی‌ری از نانوربات‌های ویرانگر به میان می‌آید؛ فناوری مخربی که توانست تجهیزات و اسکاادران‌های پیشرفته نظامی را زمین‌گیر کند. با وجود لحن مبهم دیالوگ‌ها، انگشت اتهام این فاجعه‌ی فناوری به‌وضوح سمت ایران نشانه می‌رود.

به باور منتقدان و تحلیل‌گران، این تغییر زاویه‌ی داستانی، جایگاه ایران را از یک حاشیه‌نویسی ساده در کتاب‌های منبع، به شالوده‌ی اصلی پدید آمدن بحران و ترس جمعی در نسخه تصویری ارتقا داده است. پرتنگ‌سازی نقش ایران در سریال نسبت به کتاب، انتقاد برخی مخاطبان را به دنبال داشته که آن را بخشی از پروژه ایجاد الگوی «ایران به عنوان تهدید هسته‌ای» برای مشروعیت‌بخشی به دکترین‌های امنیتی، کنترل همه‌جانبه و توجیه جنگ می‌دانند.

صنعت سرگرمی و به‌ویژه هالیوود، سال‌هاست که نقش یک ابزار پیش‌آگاهی و روایت‌سازی استراتژیک را بازی می‌کند. آثاری نظیر 24، هوملند (Homeland)، تاپ گان: ماوریک (Top Gun: Maverick) و آثار مشابه، بارها تقابل‌های نظامی آمریکا با شرق و به ویژه ایران را بازنمایی کرده‌اند. در ناخودآگاه رسانه‌ای غرب، ایران همواره به‌عنوان نقطه تقابل تمدنی بازنمایی شده است. جولین اسائز، بنیان‌گذار افشاگر ویکی‌لیکس، در مصاحبه‌ای در نقد فیلم «دسته پنجم» (The Fifth Estate) که درباره او ساخته شده، به صراحت می‌گوید با وجود تأکیدات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران، نویسندگان هالیوودی در این فیلم و آثار دیگر به تهدید هسته‌ای ایران می‌پردازند تا بذر جنگ را در افکار عمومی، مخصوصاً مخاطب آمریکایی بکاربند.

آینه نبض متلاطم اقتصاد آمریکا در بازده اوراق ۳۰ساله



■ در نگاه نخست، این اتفاق ممکن است صرفاً یک نوسان در بازار بدهی آمریکا به نظر برسد؛ اما بازار اوراق خزانه، به‌ویژه در سررسیدهای بلندمدت، یکی از مهم‌ترین آینه‌های انتظارات سرمایه‌گذاران درباره آینده تورم، نرخ بهره، رشد اقتصادی و وضعیت مالی دولت آمریکاست. وقتی سرمایه‌گذاران برای نگهداری بدهی 30ساله آمریکا بازده بیشتری مطالبه می‌کنند، اثر آن به بازار اوراق محدود نمی‌ماند؛ هزینه تأمین مالی دولت و شرکت‌ها، ارزش‌گذاری سهام، بازار مسکن، جریان سرمایه و حتی هزینه استقراض اقتصادهای دیگر نیز می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد.

1. یک پیام بزرگ؛ چرا بازده اوراق بالا می‌رود؟

برای فهم اتفاق که در بازار اوراق آمریکا رخ داده، باید ابتدا یک رابطه بنیادی را بشناسیم: قیمت اوراق و نرخ بازده آن در جهت مخالف یکدیگر حرکت می‌کنند. یعنی فرض کنیم یک اوراق قرضه سالانه 5 دلار به دارنده خود پرداخت می‌کند. اگر قیمت این اوراق در بازار 100 دلار باشد، در یک تقریب ساده، بازده آن 5 درصد است. اگر قیمت اوراق در بازار به 50 دلار کاهش یابد، همان 5 دلار پرداخت سالانه معادل بازده 10 درصد برای خریدار جدید خواهد بود. برعکس، اگر قیمت اوراق به 200 دلار برسد، همین پرداخت 5 دلاری تنها معادل 2.5 درصد بازده خواهد بود. البته در اوراق واقعی، محاسبه بازده فقط به پرداخت سالانه محدود نیست و قیمت بازخريد، زمان باقی‌مانده تا سررسید و سایر جریان‌های نقدی نیز در آن دخالت دارند. اما منطق اصلی همین است. در نتیجه، وقتی گفته می‌شود بازده اوراق 30ساله آمریکا افزایش یافته، معنای عمیق‌تر آن این است که بازار برای خرید و نگهداری بدهی بلندمدت دولت آمریکا، قیمت کمتری می‌پردازد و در مقابل، بازده بیشتری مطالبه می‌کند.

2. بازار چه می‌گوید؟

نرخ بهره کوتاه‌مدت تا حد زیادی تحت تأثیر تصمیم‌های بانک مرکزی آمریکا قرار دارد؛ اما نرخ 30ساله داستان متفاوتی دارد. سرمایه‌گذاری که حاضر است پول خود را برای سه دهه در اختیار دولت قرار دهد، فقط به نرخ بهره امروز نگاه نمی‌کند. او می‌پرسد در این 30 سال چه بر سر تورم خواهد آمد؟ رشد اقتصادی چگونه خواهد بود؟ نرخ‌های بهره در سال‌های آینده در چه سطحی قرار خواهند گرفت؟ دولت چقدر بدهی خواهد داشت؟ چه مقدار اوراق جدید منتشر خواهد کرد؟ و نهایتاً از خود می‌پرسد که برای تحمل این عدم‌اطمینان، چه بازدهی باید دریافت کند؟ از همین رو، نرخ بلندمدت را می‌توان به‌صورت ساده ترکیبی از نرخ واقعی مورد انتظار، تورم مورد انتظار و مصرف سررسید دانست. این نکته اهمیت اتفاق اخیر را روشن می‌کند. اگر نرخ 30ساله بالا می‌رود، ممکن است پیام بازار این باشد که برای آینده اقتصاد آمریکا، تورم، بدهی و نرخ بهره، «عدم‌اطمینان بیشتر»ی وجود دارد و سرمایه‌گذار برای پذیرش این ریسک، بازده بیشتری می‌خواهد. افزایش اخیر قیمت انرژی و نگرانی از فشار تورمی، در کنار نگرانی درباره کسری بودجه و حجم بدهی دولت آمریکا، از جمله عواملی هستند که بازار اوراق را تحت فشار قرار داده‌اند.

3. هزینه این نرخ فقط روی دوش دولت آمریکا نیست

نخستین اثر افزایش نرخ‌های بلندمدت، افزایش تدریجی هزینه تأمین مالی دولت آمریکاست. البته این اتفاق به معنای آن نیست که تمام بدهی دولت یک‌شبه با نرخ جدید محاسبه می‌شود. بخش بزرگی از بدهی آمریکا قبلاً با نرخ‌های مشخص منتشر شده است. اما هر بار که اوراق قدیمی سررسید می‌شوند و دولت برای تأمین مالی مجدد به بازار مراجعه می‌کند، نرخ‌های جدید به تدریج وارد ساختار هزینه بدهی می‌شوند. اگر کسری بودجه نیز همچنان بالا باقی بماند، این مسئله می‌تواند پیچیده‌تر هم بشود؛ زیرا دولت برای تأمین کسری خود همچنان به انتشار اوراق نیاز دارد.

اما داستان به دولت ختم نمی‌شود. نرخ اوراق خزانه آمریکا یکی از مهم‌ترین نرخ‌های مرجع بازارهای مالی جهان است. شرکتی که می‌خواهد سرمایه جذب کند، بانک، صندوق سرمایه‌گذاری یا دولتی که قصد انتشار بدهی دارد، همگی به نوعی نرخ بدون ریسک آمریکا را در محاسبات خود وارد می‌کنند. اگر سرمایه‌گذار بتواند از یک دارایی با ریسک بسیار پایین، بازده بالاتری دریافت کند، برای قبول ریسک بیشتر در یک شرکت یا کشور دیگر نیز بازده بیشتری مطالبه خواهد کرد. بنابراین افزایش نرخ اوراق آمریکا می‌تواند به افزایش «هزینه سرمایه» در بخش‌هایی از اقتصاد جهانی منجر شود.

چک الکترونیک؛ تیر خلاص بانک مرکزی به فرار مالیاتی و شرخری



■ نرخ سود بازار بین‌بانکی در هفته منتهی به 23 مهرماه، برای هشتمین هفته متوالی در سطح 24 درصد تثبیت شد. داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد این نرخ از چهارم شهریور تاکنون تغییر نکرده و در تمام هفته‌های مورد بررسی روی سقف کریدور نرخ سود قرار داشته است؛ وضعیتی که پرسش‌هایی درباره شرایط نقدینگی شبکه بانکی و مسیر آتی سیاست پولی ایجاد می‌کند. اهمیت این ثبات زمانی روشن‌تر می‌شود که روند ماه‌های گذشته را در نظر بگیریم. نرخ سود بین‌بانکی در ابتدای سال تا محدوده 20.58 درصد پایین آمده بود، اما پس از آن مسیر افزایشی را طی کرد و در نهایت به سقف 24 درصد رسید. ماندگاری نرخ در این سطح نشان می‌دهد که کاهش هزینه پول، دست‌کم در بازار بین‌بانکی، هنوز آغاز نشده است.

چرا نرخ سود در 24 درصد باقی مانده است؟

ثبات نرخ بین‌بانکی را باید در ارتباط با شرایط تأمین نقدینگی بانک‌ها و سازوکار سیاست پولی بررسی کرد. این نرخ حاصل معاملات کوتاه‌مدت میان بانک‌هاست و از میزان عرضه و تقاضای منابع، دسترسی بانک‌ها به ذخایر و عملیات سیاست‌گذار پولی تأثیر می‌پذیرد. در داده‌های اخیر بانک مرکزی، حداقل نرخ توافق بازخريد 23 درصد، نرخ اعتبار‌گیری قاعده‌مند 24 درصد و نرخ سپرده‌گذاری قاعده‌مند 17 درصد ثبت شده است. قرار گرفتن نرخ بین‌بانکی در سقف 24 درصدی کریدور نشان می‌دهد منابع کوتاه‌مدت در این بازار با نرخ‌ی نزدیک به بالاترین نرخ ابزارهای کریدور مبادله می‌شوند.

بورس در برابر هزینه بالای پول

تداوم نرخ سود بین‌بانکی در سطح 24 درصد می‌تواند از مسیر افزایش هزینه فرصت سرمایه‌گذاری، بر بازار سهام اثر بگذارد. زمانی که بازده ابزارهای کم‌ریسک در سطوح نسبتاً بالا قرار دارد، سرمایه‌گذاران برای پذیرش ریسک سهام به بازده مورد انتظار بیشتری نیاز پیدا می‌کنند. این شرایط به‌ویژه برای شرکت‌های بدهکار و بنگاه‌هایی که برای تأمین سرمایه در گردش یا اجرای طرح‌های توسعه‌ای به تسهیلات بانکی وابسته‌اند، اهمیت دارد. هزینه بالاتر تأمین مالی می‌تواند حاشیه سود این شرکت‌ها را تحت فشار قرار دهد.

با این حال، نرخ بین‌بانکی به‌تنهایی مسیر بورس را تعیین نمی‌کند. نرخ ارز، قیمت محصولات، وضعیت سودآوری شرکت‌ها و انتظارات سرمایه‌گذاران نیز در جهت حرکت بازار نقش دارند. بنابراین، ثبات نرخ در 24 درصد را باید عاملی محدودکننده برای کاهش هزینه

آینده ارزان‌تر
شاید یکی از ظریف‌ترین آثار افزایش نرخ‌های بلندمدت در بازار سهام دیده شود. ارزش اقتصادی یک شرکت فقط به سودی که امروز به دست می‌آورد وابسته نیست. سودهای سال‌های آینده نیز بخشی از ارزش شرکت را تشکیل می‌دهند. اما یک دلار که ده سال بعد دریافت می‌شود، از نظر اقتصادی ارزشی کمتر از یک دلار امروز دارد؛ بنابراین باید با استفاده از یک نرخ تنزیل به ارزش امروز تبدیل شود. هرچه نرخ بهره و نرخ تنزیل بالاتر برود، ارزش فعلی جریان‌های نقدی آینده کاهش می‌یابد. این مسئله بخصوص برای شرکت‌هایی اهمیت دارد که بخش بزرگی از ارزش آنها بر رشد و سودآوری سال‌های آینده استوار است. همین منطق در بازار مسکن نیز دیده می‌شود. افزایش نرخ‌های بلندمدت معمولاً هزینه تأمین مالی مسکن را بالا می‌برد؛ هرچند نرخ وام مسکن مستقیماً برابر با نرخ اوراق خزانه نیست و عوامل دیگری نیز در تعیین آن نقش دارند. نتیجه می‌تواند افزایش اقساط، کاهش قدرت خرید و کاهش تقاضای اعتباری باشد. بنابراین یک تغییر در بازار اوراق می‌تواند با فاصله‌ای نه‌چندان طولانی خود را در تصمیم یک خانوار برای خرید خانه یا تصمیم یک شرکت برای اجرای یک پروژه نشان دهد.



زمستان سختی در پیش است

■ مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اشاره به بازیابی ۶۰ درصد ظرفیت‌های آسیب‌دیده از جنگ، درباره دشواری‌های تأمین خوراک در زمستان پیش رو هشدار داد.

به نقل از شرکت ملی صنایع پتروشیمی، امید شاکری روز دوشنبه، ششم مهر در حاشیه آیین امضای تفاهم‌نامه‌های اجرای پویش «نبض انرژی» در جمع خبرنگاران با اشاره به آسیب‌های واردشده به صنعت پتروشیمی در جریان جنگ، بیان کرد: آسیب‌های واردشده به صنعت پتروشیمی به دو بخش پوتیلیتی‌ها و برخی فرایندهای خاص وارد شد که در هر دو بخش اقدام‌های مناسبی برای بازسازی در حال انجام است و روند بازسازی پوتیلیتی‌ها به‌طور مستمر پیگیری می‌شود.

وی افزود: در عسلویه و ماهشهر که دو قطب اصلی صنعت پتروشیمی کشور هستند، روند بازسازی و بازیابی ظرفیت‌ها به‌نحوی مطلوب در حال اجراست و تلاش می‌کنیم تا پایان امسال بخش قابل‌توجهی از ظرفیت‌های از دست‌رفته دوباره به چرخه تولید بازگردد.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی تصریح کرد: تاکنون حدود ۶۰ درصد ظرفیت‌های از دست‌رفته صنعت پتروشیمی بازیابی شده و به چرخه تولید بازگشته است و امیدواریم تا پایان سال شرایط از این‌نظر بهبود بیشتری پیدا کند.

شاکری با اشاره به محدودیت‌های خوراک در زمستان گفت: احتمالاً در زمستان با محدودیت‌های گاز ناشی از ناترازی روبه‌رو خواهیم بود؛ موضوعی که هر سال وجود داشته و امسال با توجه به آسیب‌های دشمن به صنعت پالایش، شرایط دشوارتر شده است.

با این حال، از نظر مقدار بازیابی ظرفیت‌ها و آمادگی برای تولید، وضع صنعت پتروشیمی در شرایط مناسبی قرار دارد و تلاش می‌کنیم تا پایان سال وضع بهتری در این بخش داشته باشیم.

وی با اشاره به اعمال محدودیت‌های انرژی در فصل زمستان بیان کرد: هر سال در زمستان با افزایش مصرف گاز در بخش خانگی، محدودیت‌هایی ناخواسته برای بخشی از صنایع اعمال می‌شد که صنعت پتروشیمی نیز از این محدودیت‌ها بی‌نسیب نیست.

شاکری افزود: امسال شرایط دشوارتر است؛ حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت پالایشی صنعت گاز از دست رفته که با تلاش همکاران در وزارت نفت، شرکت ملی گاز و شرکت ملی نفت ایران، بخشی از این ظرفیت‌ها به چرخه تولید بازگشته است، اما همچنان کمبودهایی وجود دارد.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی گفت: تلاش می‌کنیم آثار جنگ و کاهش ظرفیت‌های ایجادشده را برای مجتمع‌های پتروشیمی به حداقل برسانیم، اما واقعیت این است که امسال شرایط برای صنعت پتروشیمی سخت‌تر خواهد بود.

وی درباره وضعیت صادرات افزود: صنعت پتروشیمی در اصل فروشنده محصول است؛ این صنعت محصولات خود را صادر می‌کند، ارز حاصل از آن را برمی‌گرداند و تمام فرآیند صادرات و بازگشت ارز تحت نظارت بانک مرکزی انجام می‌شود و از این بابت مشکلی وجود ندارد.

شاکری با بیان اینکه البته شرایط جنگ و محاصره به‌طور طبیعی مشکلاتی برای صادرات ایجاد کرده است، تصریح کرد: اما با تدابیر اتخاذشده، تلاش می‌شود صادرات این صنعت پایدار بماند و بازگشت ارز نیز انجام شود تا نیازهای اصلی بخش‌های مصرف‌کننده ارز در کشور تأمین شود.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اشاره به برگزاری پویش کاهش مصرف انرژی (نبض انرژی) گفت: امروز از همه مردم و بخش‌های مصرف‌کننده دعوت می‌کنیم با پشتیبانی از این حرکت ملی، به تأمین بیشتر انرژی کمک کنند تا بتوانیم چالش خوراک مجتمع‌های پتروشیمی را کاهش دهیم.

شاکری تأکید کرد: همراهی همه بخش‌های مصرف‌کننده و کاهش مصرف انرژی می‌تواند به تأمین انرژی بیشتر برای صنایع و در نتیجه کاهش مشکلات مربوط به خوراک پتروشیمی‌ها کمک کند.

«انتقام جویان» پس از ۷ سال برگشتند و در صدر نشستند



اکران مجدد فیلم «انتقام‌جویان: آخر بازی» با فروش ۲۶ میلیون دلاری جایگاه نخست فهرست فروش را از آن خود کرد و «قلب هیولا» و «پرایم‌تایم» پس از آن جای گرفتند.

به نقل از ورایتی، اکران مجدد فیلم پرفروش دیزنی و مارول یعنی «انتقام‌جویان: آخر بازی» که محصول ۲۰۱۹ است (با صحنه‌های اضافی!) با عنوان «دوباره بازی»، در گیشه داخلی آمریکا موفق شد تا چند فیلم جدید مهم را پشت سر بگذارد.

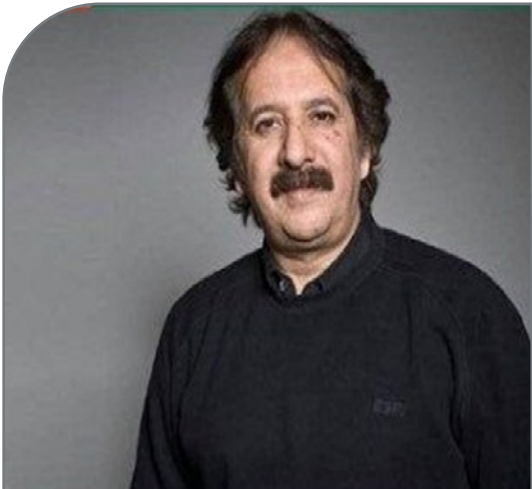
این فیلم در اولین آخر هفته اکرانش ۲۶ میلیون دلار از نمایش در ۳۰۶۰ سینمای آمریکای شمالی به دست آورد و در حالی که این فیلم سال‌هاست به صورت آنلاین قابل تماشا است، فروش قابل توجهی محسوب می‌شود.

این فیلم در بازار بین‌المللی هم ۶۰ میلیون دلار فروخت تا از اکران مجددش رقم فوق‌العاده ۸۶ میلیون دلاری را به میزان فروش قبلی اضافه کند.

این هیجان به یقین برای این استودیو که به زودی «انتقام‌جویان: روز نابودی» را اکران می‌کند و تقریباً تمام قهرمانان قدرتمند زمین را در یک مأموریت نجات جهان دیگر بازمی‌گرداند، خبر خوشی است! این موفقیت در حالی کسب شده که اکران مجدد فیلم‌ها به ندرت بیش از ۱۰ میلیون دلار فروش دارد.

«قلب هیولا» با بازی برد پیت از پارامونت، دیگر فیلم جدید هفته است که با ۲۰ میلیون دلار فروش از ۳۴۳۵ سینما، در رتبه سوم قرار گرفت.

این یک شروع خوب برای یک فیلم اورجینال است که برای بزرگسالان ساخته شده است. البته با وجود بودجه سنگین ۸۲ میلیون دلاری «قلب هیولا» باید به گیشه بین‌المللی متکی باشد که با توجه به فروش ۳۰۱ میلیون دلار از نمایش در ۶۳ بازار و فروش جهانی ۵۰۱ میلیون دلار، می‌توان گفت تا اینجا کار خوب پیش



پیام تبریک جشنواره مقاومت به مجید مجیدی

در پی اهدای جایزه بهترین فیلم جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان به مجید مجیدی، فیلم‌ساز مطرح کشورمان، و اظهارات صریح او پس از دریافت این جایزه، جلال غفاری قدیر، دبیر نوزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، در پیامی این موفقیت را تبریک گفت و از مواضع او در همدردی با خانواده شهدای جنگ‌های اخیر و محکومیت جنایات آمریکا و رژیم صهیونیستی قدردانی کرد.

کسب جایزه بهترین فیلم از جشنواره معتبر «بوسان» برای فیلم سینمایی «غذای نیمروز»، تازترین افتخار آفرینی شما به‌عنوان فیلم‌سازی مؤلف، خلاق و صاحب ایده و انگیزه است؛ افتخاری که با اعلام موضع صریح و شجاعانه شما در همدردی با شهدای مظلوم دو جنگ اخیر و محکومیت صریح جنایات دشمن آمریکایی – صهیونیستی، خلأوتی دوجندان یافت.

این مواضع مقتدرانه، در کنار تلاوم فعالیت هنری شما و خلق آثاری با محوریت کرامت انسانی و اخلاق در طول چهار دهه فیلم‌سازی، نشان می‌دهد که همچنان می‌توان به اثر گذاری عمیق سینما امیدوار بود؛ رسانه‌ای که می‌تواند پیام مظلومیت و اقتدار ملت ایران را که بار دیگر همچون ققنوس سربلند از خاکستر جنگ و خون سر برآورده است، به گوش جهانیان برساند.

ظنن موضع‌گیری شجاعانه و صریح شما در آوردگاه بوسان و افشای رذالت آمریکای جنایت‌کار در به شهادت رساندن کودکان مظلوم میناب و جمع زیادی از هووطنانمان، از شرق عالم به ایران عزیز رسید و تسلی‌بخش دل داغدار خانواده این شهدای مظلوم شد.

از سوی دیگر، هنرمندان و هنردوستان متعهدی که به پیروی از پیر مرادشان، خمینی (ره) کبیر، به دنبال دمیدن روح تعهد به کالبد انسان‌ها با ابزار هنر هستند نیز با انگیزه‌های دوجندان مسیر خلق آثار سینمایی را دنبال خواهند کرد؛ هنرمندانی که روشنگری‌های رهبر شهید انقلاب مینی بر اهمیت راهبردی رسانه سینما را فانوس راه خود قرار دادند تا همچنان شاهد بالندگی این هنر متعالی در ایران اسلامی باشیم.

اینجانب در جایگاه دبیر نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت و سرباز کوچک جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، با تبریک این افتخار هنری، بار دیگر از مواضع صریح شما در دفاع از ملت ایران و محکوم کردن جنایات دشمنان خونخوار این آب و خاک قدردانی می‌کنم و موفقیت روزافزونتان را در عرصه فیلم‌سازی و تبیین حقیقت، از پروردگار متعال خواستارم.



■ نیما مهدیان، کارگردان مستند «یک وجب خاک» ایده این فیلم را

حاصل پرسشی درباره زندگی پس از پایان روزهای دفاع مقدس دانست و گفت: این اثر به جای بازسازی خاطرات جنگ، تأثیر آن بر زندگی امروز خانواده‌های شهدا و نسل‌های بعد را دنبال کرده است.

وی درباره شکل‌گیری ایده مستند «یک وجب خاک» توضیح داد: ایده این مستند از این پرسش آغاز شد که بعد از تمام شدن تاریخ، زندگی با چه چیزی باقی می‌ماند، مسئله برای من ساختن فیلمی صرفاً درباره شهدا نبود، بلکه دیدن انسانی بود که تاریخ از زندگی‌اش عبور کرده است، اما زندگی همچنان در او ادامه دارد. در مواجهه با قهرمان فیلم، بیش از گذشته، درگیر اکتون او و جزئیات ظاهراً کوچکی شدم که می‌توانند وزن یک تاریخ را با خود حمل کنند.

کارگردان «یک وجب خاک» ادامه داد: «زندگی امروز» برای من به معنای کنار گذاشتن درام نبود. از ابتدا برایم مهم بود که فیلم قهرمان، مسئله، مانع و گره داشته باشد و در مسیرش تغییر اتفاق بیفتد، اما نمی‌خواستم این درام را از بیرون به زندگی تحمیل کنم، به نظر مستند خوب می‌تواند هم قصه داشته باشد و هم واقعیت را حفظ کند؛ گاهی خود واقعیت از هر فیلمنامه‌ای پیچیده‌تر و بی‌رحم‌تر قصه می‌گوید. وظیفه مستندساز ساختن حادثه نیست، بلکه پیدا کردن درام پنهان در حادثه‌ای است که واقعاً اتفاق افتاده است. به همین دلیل، نقطه شروع «یک وجب خاک» برای من یک سوژه نبود، بلکه مواجهه با انسانی واقعی بود که نمی‌شد او را در قالب آماده «قهرمان خانواده شهید» قرار داد. روایت جنگ، پس از جنگ

کارگردان «راش» درباره دلیل پرداختن به زندگی امروز خانواده‌های شهدا توضیح داد: من به گذشته‌ای که فقط در آرشيو وجود داشته باشد، چندان علاقه ندارم. تاریخ زمانی برای من زنده است که هنوز در رفتار، سکوت، رابطه، فقر، امید، انتخاب و حتی اختلاف آدم‌ها حضور داشته باشد. خاطره جنگ مهم است، اما اگر فقط آن را بازسازی کنیم، ممکن است به جای خود زندگی، تصویر حافظه از زندگی را ثبت کنیم. می‌خواستم یک قدم عقب‌تر بایستم و ببینم جنگ، پس از جنگ، با انسان چه کرده است.

وی افزود: جنگ فقط در جایی که گلوله شلیک می‌شود اتفاق نمی‌افتد؛ گاهی سال‌ها بعد، در یک خانه، میان ۲ نسل، در نوع نگاه یک پدر و فرزند، یک اختلاف خانوادگی یا تصمیمی که یک آدم برای آینده خودش می‌گیرد، ادامه پیدا می‌کند. شاید یکی از دشوارترین میراث‌های هنر جنگ همین باشد که جنگ تمام می‌شود، اما همه آدم‌ها با پایان آن به زمان صلح بازمی‌گردند. برای من، مستند به هیچ‌وجه مترادف با بی‌درامی نیست؛ قصه باید از واقعیت بیاید و درام از دل موقعیت، شخصیت و تضاد شکل بگیرد، نه اینکه واقعیت برای قصه قربانی شود.

این مستندساز درباره شخصیت اصلی فیلم گفت: همین تضاد نقطه ورود من به شخصیت قهرمان بود. من به قهرمان‌های بی‌نقص علاقه‌ای ندارم. انسان وقتی برای سینما جذاب می‌شود که درونش تناقضی زنده وجود داشته باشد؛ چیزی بخواهد اما به آسانی به آن نرسد، مسئولیتی

روایت زخم‌های جنگ پس از جنگ

داشته باشد اما خودش گرفتار باشد یا برای دیگری کاری انجام دهد، در حالی که خودش هنوز از مسئله‌ای رها نشده است.

مهدیان ادامه داد: قهرمان فیلم خودش مسئله دارد، اما مسئله دیگری را هم می‌بیند و همین فاصله میان نیاز شخصی و مسئولیت نسبت به دیگری برای من جذاب بود. نمی‌خواستم او را قدیس کنم، چون وقتی انسان را بی‌نقص می‌کنیم، بخشی از انسانیتش را حذف کرده‌ایم. قهرمان برای من کسی نیست که مانع ندارد؛ کسی است که با وجود مانع، هنوز انتخاب می‌کند.

کارگردان «همیشه مبارز» اظهار کرد: قهرمان باید در موقعیت قرار بگیرد، با مانع برخورد کند، شکست بخورد، دوباره تلاش کند و در این مسیر تغییر کند؛ جایی که درام شکل می‌گیرد. تفاوت مستند با داستان برای من در داشتن یا نداشتن قصه نیست، بلکه در این است که فیلمساز باید در برابر چیزی که واقعیت پیش پایش می‌گذارد، آمادگی تغییر مسیر داشته باشد و حتی بپذیرد که ممکن است قهرمان، قصه خودش را از او پس بگیرد.

وقتی تاریخ در رفتار آدم‌ها رسوب می‌کند وی درباره بخش‌هایی از زندگی خانواده‌های شهدا که کمتر دیده شده است، گفت: آنچه کمتر دیده شده، شاید خود «ادامه» باشد. ما معمولاً واقعه را می‌بینیم، اما فرسایش بعد از واقعه را کمتر می‌بینیم؛ مرگ را ثبت می‌کنیم، اما زندگی‌ای را که مجبور است با جای خالی ادامه پیدا کند، به همان اندازه ثبت نمی‌کنیم. خانواده شهید فقط حامل یک خاطره تاریخی نیست؛ یک زندگی زنده است که در طول دهه‌ها تغییر می‌کند، نسل عوض می‌کند و ممکن است نسل جدید دیگر نتواند جهان نسل قبل را با همان زبان و تجربه بفهمد.

مهدیان افزود: نسلی که جنگ را زیسته، با نسلی که فقط پیامدهای آن را به ارث برده است، الزاماً یک جهان مشترک ندارد؛ یکی خاطره دارد و دیگری میراث خاطره را. اینجاست که تاریخ از یک واقعه سیاسی و نظامی به یک مسئله انسانی تبدیل می‌شود. هر جنگی ۲ بار اتفاق می‌افتد؛ یک بار در میدان نبرد و بار دیگر در زندگی کسانی که مجبورند پس از آن زندگی کنند. برای من، دوربین باید بتواند این بار دوم را ببیند؛ جایی که تاریخ دیگر در کتاب نیست، بلکه در رفتار انسان‌ها رسوب کرده است.

کارگردان «آن مرد با اتوبوس آمد» درباره تغییری که ساخت فیلم در نگاه خودش ایجاد کرده است، متذکر شد: هر عنوانی می‌تواند یک انسان واقعی را پشت خودش پنهان کند. «خانواده شهید» یک عنوان اجتماعی است، اما پشت این عنوان انسانی قرار دارد که می‌تواند خسته، عصبانی، امیدوار، خطاکار، فداکار یا دچار تناقض باشد. فیلمساز اگر فقط عنوان را ببیند، شخصیت را از دست می‌دهد. یکی از مهم‌ترین تجربه‌های ساخت فیلم برای من این بود که فهمیدم واقعیت همیشه مطابق تصویری که ما از آن ساخت‌هایم رفتار نمی‌کند و ممکن است با یک تصور وارد زندگی آدمی شوم و در پایان مجبور شوم همان تصور را کنار بگذارم.



مهدیان افزود: فیلمساز حق دارد نگاه کند، اما حق ندارد انسان را به چیزی که خودش می‌خواهد تبدیل کند. این به معنای رها کردن درام نیست؛ هرچه شخصیت را واقعی‌تر ببینیم، تضادها و کشمکش‌هایش هم واقعی‌تر می‌شوند. ساخت این فیلم برای من بیشتر از آنکه پاسخ دادن باشد، اصلاح کردن یک نگاه بود؛ اینکه قبل از هر عنوان، باید انسان را دید.

لزوم پرداختن به زندگی امروز خانواده‌های شهدا

وی درباره نسبت این فیلم با میراث دفاع مقدس گفت: پرداختن به زندگی امروز خانواده‌های شهدا کمک می‌کند تاریخ را از حالت «شیء موزایی» خارج کنیم. میراث دفاع مقدس فقط آرشيو، خاطره، عکس، وصیت‌نامه و روایت‌های رسمی نیست؛ چیزی است که هنوز در اکتون اثر می‌گذارد، در روابط، حافظه، تربیت نسل بعد، انتخاب‌ها و حتی اختلاف‌هایی که میان آدم‌ها باقی مانده است.

مهدیان ادامه داد: اگر امروز خانواده یک شهید را ببینیم، در واقع بخشی از تاریخ را در زمان حال مشاهده می‌کنیم. این تاریخ الزاماً یک روایت یکدست ندارد؛ آدم‌ها یک واقعه واحد را به یک شکل به یاد نمی‌آورند و نسل‌ها هم گذشته مشترک را الزاماً با یک زبان روایت نمی‌کنند. همین تفاوت‌ها برای من سینمایی‌اند. شاید تاریخ واقعی آن چیزی نباشد که همه درباره گذشته به یک شکل به یاد می‌آورند، بلکه شکافی باشد که میان خاطراتشان باقی مانده است. در «یک وجب خاک» می‌خواستم این شکاف‌ها دیده شوند؛ نه برای قضاوت آدم‌ها، بلکه برای فهمیدن اینکه یک واقعه تاریخی چگونه در طول زمان تغییر شکل می‌دهد و وارد زندگی نسل‌های بعد می‌شود.

وی در پایان تأکید کرد: مستند برای من زمانی زنده است که بتواند میان گذشته و اکنون یک رشته پیدا کند؛ رشته‌ای که شاید در ابتدا دیده نشود، اما وقتی مخاطب آن را پیدا می‌کند، متوجه می‌شود آنچه تصور می‌کرد تمام شده، هنوز در جایی از زندگی ادامه دارد. «یک وجب خاک» در نهایت درباره گذشته نیست؛ درباره این است که گذشته چگونه در اکنون زندگی می‌کند. شاید عنوان فیلم هم از همین‌جا می‌آید؛ تاریخ گاهی در چند کیلومتر مربع اتفاق می‌افتد، اما سرنوشتش در یک وجب خاک ادامه پیدا می‌کند.



ایام فاطمیه هیئت کجا برویم؟

ایام فاطمیه هیئت کجا برویم؟

■ امسال نیز به رسم هر ساله، با فرارسیدن ایام فاطمیه سراسر کشور در سوگ حضرت فاطمه زهرا (س) غرق در عزای می‌شود. به این ترتیب برنامه مراسم هیئت‌ها و حسینیه‌ها به مناسبت آغاز فاطمیه اعلام شده است؛ برنامه تمدادی از مراسمات سوگواری این‌ایام به شرح زیر اعلام شده است:

حسینیه صنف لباس فروشان

سخنران: شیخ علی ثمری

ملاح: منصور ارضی

زمان: از جمعه 24 مهرماه 1405 از نماز صبح به مدت 13 روز

نشانی: خیابان جمهوری؛ خیابان درختی

حسینیه صنف لباس فروشان

ملاح: علی انسانی

زمان: از جمعه 24 مهرماه 1405 از ساعت 9 صبح به مدت 12 روز

نشانی: خیابان سعدی؛ پایین‌تر از چهارراه استقلال

هیئت محجان الزهرا(س)

سخنرانان: حجت الاسلام سید حسین هاشمی نژاد؛ استاد شیخ حسین انصاریان

مداحان: ذبیح الله ترابی؛ سید محمد عاملی؛ مهدی تقی لو

زمان: از 20 مهرماه 1405 تا 4 آبان‌ماه از ساعت 6:30 صبح

نشانی: خیابان وحدت اسلامی؛ روبروی اداره آگاهی خیابان پهلوان

حسن: کوچه یحیوی

هیئت بیت الهادی (ع)

قرائت حدیث کساء: مهدی اکبری

سخنران: حجت‌الاسلام سید عبدالمجید سادات

مداحان: علی قرائیان؛ حسین حبیبی؛ سید هدایتیان

زمان: تا 30 مهر ماه از ساعت 17

نشانی: شوش، چهارراه شهزاد، خیابان امام موسی صدر، بیت الهادی(ع)

مسجد ارک

سخنران: حجت الاسلام سید عباس موسوی مطلق

ملاح: منصور ارضی

زمان: از دوشنبه 27 مهرماه 1405 از نماز مغرب و عشا به مدت 5 شب

نشانی: خیابان پانزده خرداد

حسینیه همدانی

پیش منبر: علی بوذری

سخنران: حجت‌الاسلام سید علیرضا شجاعی

مداح: سید عبدالمهدی وطنی

زمان: تا اول آبان‌ماه از ساعت 19:15

نشانی: خ قطریه، بالاتر از پارک قطریه، جنب میدان کتابی، پلاک 52

هیئت مکتب الزهرا (س)

سخنران: شیخ اسماعیل رضائی

مداحان: حسین طاهری؛ علیرضا طاهری

زمان: از 30 مهرماه از ساعت 19:30 به مدت 3 روز

نشانی: خیابان شریعتی؛ خیابان شهدای ناجا؛ ستاد فرماندهی تهران بزرگ؛ حسینیه چهارده معصوم

هیئت زوار البقیع

پیش منبر: مصطفی سماواتی

سخنران: شیخ عباس صراف

مداحان: حمید دادوندی؛ حسین ستوده

زمان: جمعه آبان ماه 1405 از ساعت 20

نشانی: میدان بهارستان؛ نرسیده به چهارراه سرچشمه؛ انتهای کوچه صیرفی پور؛ یادمان شهدای هفتم تیر

هیئت امام حسن مجتبی(ع)

سخنرانان: شیخ علی خزاعی؛ شیخ سعید خوشنما

مداحان: سید مجتبی خزاعی؛ کاظم غفارنژاد؛ سید محمد جوادی؛ سید صادق عبادی؛ سید حجت بحرالمولوم؛ سید محمد حسین پویانفر؛

حمید عسکری؛ محمدرستمی؛ حسین فروغی؛ محمدرضا پیروز؛

وحید مرادی؛ سید محمدرضا چاوشی

زمان: از جمعه 24 مهرماه 1405 از ساعت 19:30 به مدت 10 شب

نشانی: خیابان ولیعصر؛ جنب مهدیه تهران؛ کوچه مهدیه

هیئت حسین مظلوم (ع)

سخنران: مهدی توکلی

زمان: از دوشنبه 20 مهرماه 1405 تا شنبه 2 آبان ماه 1405 از ساعت 5:30 صبح

نشانی: تهران ویلا خیابان زارع کوچه شهید جوادی

هیئت یا زهرا (س)

سخنران: حجت الاسلا میرهاشم حسینی

ملاح: مهدی سماواتی

زمان: از شنبه 25 مهرماه 1405 به مدت 10 شب از ساعت 19

نشانی: اتوبان شهید محلاتی مخبر جنوبی خیابان زارع پور بن بست 3 پلاک 11

هیئت روضه العباس(ع)

سخنران: حجت الاسلام میرهاشم حسینی

مداحان: علی کرمی؛ وحید شکری؛ حسین سیب سرخی

زمان: شنبه 25 مهرماه 1405 از ساعت 20:30

افشین: تهران ظرفیت تبدیل شدن به شهر شناختی را دارد



ما آمادگی داریم رویداد سیتکس را به‌صورت مشترک برگزار کنیم و در این زمینه همکاری داشته باشیم، همچنین در معاونت علمی، بخشی با عنوان بنیاد نخبگان وجود دارد که یکی از موضوعات مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نیز استفاده از ظرفیت نخبگان است.افشین ادامه داد: ممکن است نخبگان و نوآوران ایده‌هایی داشته باشند که بتواند به حل مسائل شهری کمک کند. باید بررسی کنیم که چگونه می‌توان میان این افراد و مسائل شهر ارتباط برقرار کرد و از ظرفیت مراکز مختلف برای این منظور بهره برد.

وی تصریح کرد: این ارتباط به نفع هر دو طرف است؛ از یک سو، نخبگان احساس می‌کنند که در جامعه اثرگذار هستند و از سوی دیگر، چه محیطی بهتر از شهر می‌تواند زمینه مشاهده و سنجش تأثیر ایده‌های آن‌ها را فراهم کند؟معاون علمی رئیس‌جمهور با اشاره به حضور مسئولان بنیاد علم ایران در این جلسه گفت: در حوزه پژوهش نیز ظرفیت مناسبی برای همکاری وجود دارد. پژوهشگران و استادان دانشگاه می‌توانند روی مسائل مختلف شهری کار کنند و ما نیز آمادگی داریم از بودجه پژوهشی بنیاد علم ایران برای حل این مسائل استفاده کنیم.وی افزود: برای تحقق این هدف، لازم است عناوین و مسائل پژوهشی شهری به ما ارائه شود تا بتوانیم با تعریف فراخوان‌های مشخص، از ظرفیت استادان و پژوهشگران استفاده کنیم. می‌توان این فرایند را سالی یک یا دو بار تکرار کرد و از این طریق، تحولی در حوزه علم و پژوهش مرتبط با مسائل شهری ایجاد کرد.

افشین با اشاره به تجربه همکاری شهرداری تهران و معاونت علمی در حوزه نوآوری اجتماعی اظهار کرد: یکی از نمونه‌های این همکاری، مرکز نوآوری اجتماعی هندی است که به نظر من می‌تواند الگوی مناسبی برای گسترش مراکز مشابه باشد.

وی افزود: آقای به‌عنوان معاون بنده در این بخش حضور دارند و امیدواریم بتوانیم با همکاری یکدیگر، مراکز نوآوری شهری را توسعه دهیم. این مراکز ظرفیت‌های متنوعی دارند و شهرداری تهران نیز امکانات گسترده‌ای در اختیار دارد که می‌تواند به توسعه آن‌ها کمک کند.معاون علمی رئیس‌جمهور با اشاره به ظرفیت مالی و اجرایی شهرداری تهران گفت: امکانات شهرداری در این حوزه بسیار قابل توجه است. شاید مجموعه‌ای از اقداماتی که برای انجام آن‌ها در بخش‌های دیگر به 10 سال زمان نیاز باشد، با استفاده از امکانات و ظرفیت‌های شهرداری در مدت کوتا‌تری امکان‌پذیر شود. این موضوع می‌تواند جهشی بزرگ در توسعه مراکز نوآوری و زیرساخت‌های فناوری ایجاد کند.

معاون علمی رئیس‌جمهور خاطرنشان کرد: البته این تقسیم‌بندی‌ها خطی نیستند و شهرها می‌توانند هم‌زمان ویژگی‌های مختلفی از شهرهای سنتی، دیجیتال، هوشمند، دانش‌محور و شناختی را داشته باشند.وی با بیان اینکه تهران ظرفیت حرکت به سمت شهرهای شناختی را دارد، گفت: به نظر من، تهران یکی از شهرهایی است که می‌تواند در شاخص‌های مختلف این حوزه عملکرد مناسبی داشته باشد و به سمت شهرهای شناختی حرکت کند. اگر تهران در این مسیر پیش برود، می‌تواند زمینه حرکت سایر شهرهای کشور را نیز فراهم کند.افشین ادامه داد: تجربه نشان داده است که بسیاری از الگوهایی که ابتدا در تهران اجرا شده‌اند، بعدها در شهرهای دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. حتی اگر یک قطعه یا فناوری در تهران بومی‌سازی شود، سایر شهرها نیز با توجه به تجربه تهران به سمت استفاده از آن حرکت می‌کنند.وی با اشاره به ایجاد پارک علم و فناوری شهری در تهران تصریح کرد: پارک علم و فناوری شهری در تهران، می‌تواند الگویی برای سایر شهرها باشد. مطمئن هستم که در سه تا چهار سال آینده، در شهرهای مختلف کشور نیز پارک‌های علم و فناوری شهری وابسته به شهرداری‌ها ایجاد خواهند شد.

معاون علمی رئیس‌جمهور افزود: اهمیت این موضوع در آن است که شهرداری‌ها مصرف‌کننده دانش هستند، به‌جای اینکه دانش در نقطه‌ای دیگر تولید شود و سپس برای استفاده به شهر منتقل شود، می‌توان زمینه تولید دانش را در بدن شهر فراهم کرد. افشین با اشاره به مسائل مهم شهری از جمله انرژی، آلودگی هوا و ترافیک گفت: وقتی شرکت‌های فناوری و مراکز نوآوری در دل شهر شکل بگیرند و فعالیت کنند، ارتباط آن‌ها با مسائل واقعی شهری بیشتر می‌شود و استفاده از دستاوردهایشان نیز آسان‌تر خواهد بود. وی تفاهم‌نامه شهرداری تهران و معاونت علمی ریاست‌جمهوری را گامی مهم در این مسیر دانست و اظهار کرد: این تفاهم‌نامه می‌تواند به نزدیک‌تر شدن ارتباط میان دانش و شهر کمک کند و زمینه حرکت تهران را از الگوهای سنتی به سمت شهرهای دانش‌محور، شهرهای مبتنی بر هوش مصنوعی و در نهایت شهرهای شناختی فراهم کند. معاون علمی رئیس‌جمهور با تأکید بر پیچیدگی مسائل کلان‌شهر تهران گفت: تهران به‌عنوان یک کلان‌شهر، مسائل و پیچیدگی‌های فراوانی دارد و باید بتواند خود را با سرعت بیشتری به‌روز کند. با توجه به امکانات امروز، به‌ویژه هوش مصنوعی، می‌توان زمینه‌ای فراهم کرد تا مردم تأثیر فناوری را در زندگی روزمره خود احساس کنند.

وی افزود: هنگام مطالعه استانداردهای مرتبط با شهرهای هوشمند، به نکته مهمی برخورد؛ اینکه صرفاً نام‌گذاری یک شهر یا تعریف شاخص‌های متعدد اهمیت ندارد، بلکه باید بررسی کرد شهروندان تا چه اندازه احساس رفاه می‌کنند و تا چه حد متعقدند فناوری توانسته است انجام کارهایشان را آسان‌تر کند.افشین تأکید کرد: اگر شهروندان نتوانند تأثیر فناوری را در زندگی خود احساس کنند، می‌توان گفت شهر در مسیر هوشمندشدن حرکت کرده است، بنابراین، نباید صرفاً به اعلام اقدامات و شاخص‌های اجرایی اکتفا کنیم؛ بلکه مهم این است که مردم واقعاً این تغییرات را احساس کنند.وی با اعلام آمادگی معاونت علمی ریاست‌جمهوری برای همکاری با شهرداری تهران گفت:

■ حسین افشین در مراسم امضای تفاهم‌نامه شهرداری تهران و معاونت علمی رئیس‌جمهور که صبح امروز با حضور شهردار تهران برگزار شد، اظهار کرد: اگر قرار باشد کشور در مسیر دانش‌بنیان شدن پیشرفت و رشد کند، شهر یکی از مؤلفه‌های مهم این تحول است. در دنیا، بر اساس استانداردهای مختلف، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی برای شهرها وجود دارد که هرکدام ویژگی‌های خاص خود را دارند.

معاون علمی رئیس‌جمهور با تشریح انواع شهرها گفت: شهر سنتی، شهری است که بخش عمده مراودات آن از طریق کاغذ انجام می‌شود و معمولاً رویکردی پسینی دارد؛ یعنی ابتدا اتفاقی رخ می‌دهد و سپس برای رفع مشکل اقدام می‌شود. برای مثال، وقتی بازندگی باعث آب‌گرفتگی معابر می‌شود، پس از وقوع مشکل برای رفع آن اقدام می‌کنیم یا زمانی که ترافیک ایجاد می‌شود، تازه به دنبال راهکاری برای عبور از ترافیک هستیم.افشین ادامه داد: در تقسیم‌بندی‌های بین‌المللی، از جمله استانداردهای سازمان بین‌المللی استانداردسازی (ISO) و دسته‌بندی‌های مرتبط با سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، انواع شهرها بر اساس ویژگی‌های مختلف تعریف شده‌اند. وی با اشاره به شهرهای دیجیتال تصریح کرد: شهرهای دیجیتال که شکل‌گیری آن‌ها به حدود 10 سال گذشته بازمی‌گردد، شهرهایی هستند که فرایندهای خود را دیجیتالی می‌کنند؛ اما در این مسیر، مشکلی در بسیاری از کشورهای جهان و به‌ویژه ایران به وجود آمد. ما فرایندها را دیجیتالی کردیم، اما فراموش کردیم که آن‌ها را اصلاح کنیم. در نتیجه، همان فرایندی که پیش‌تر برای انتقال یک پرونده از یک میز به میز دیگر به کار می‌رفت، اکنون از طریق مراجعه از یک سامانه به سامانه دیگر انجام می‌شود؛ درحالی‌که این به‌معنای تحقق کامل شهر دیجیتال نیست.معاون علمی رئیس‌جمهور افزود: به همین دلیل، مفهوم شهر هوشمند مطرح شد. در شهر هوشمند، فرایندها اصلاح و بهینه می‌شوند و یک گام فراتر از دیجیتالی کردن صرف برداشته می‌شود.افشین با اشاره به مفهوم شهرهای دانش‌محور و دانش‌بنیان گفت: در این شهرها، دانش باید از مرحله ایده به محصول و سپس به اثری تأثیرگذار تبدیل شود. شهروندان، شهرداری‌ها و مدیران شهری باید همان‌قدر که به دانشگاه‌ها اهمیت می‌دهند، به شرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز نوآوری نیز توجه کنند.وی تأکید کرد: البته شهر دانش‌محور الزاماً شهری نیست که بیشترین تعداد دانشگاه یا مراکز نوآوری را داشته باشد؛ بلکه شهری است که بتواند بیشترین میزان دانش را به اثرگذاری تبدیل کند. این اثرگذاری می‌تواند اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی باشد.افشین با اشاره به ظهور شهرهای مبتنی بر هوش مصنوعی اظهار کرد: در این شهرها، داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند و برای ساده‌سازی فرایندها مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ اما جدیدترین الگوی مطرح‌شده در این حوزه، شهرهای شناختی است که سنگاپور را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای از آن معرفی کرد.

وی توضیح داد: شهرهای شناختی علاوه بر استفاده از هوش مصنوعی، توانایی یادگیری دارند؛ یعنی بازخورد دریافت می‌کنند، مشکلات را شناسایی و برطرف می‌کنند و از تجربه‌های گذشته برای اصلاح خود بهره می‌برند. به این ترتیب، اگر امروز اتفاقی در شهر رخ دهد و یک ماه بعد همان اتفاق تکرار شود، شهر می‌تواند از تجربه قبلی استفاده کند و فرایندهای خود را به‌صورت خودکار اصلاح کند.



سیگار و ویپ چگونه به دست دانش‌آموزان می‌رسد؟

■ انتشار فیلم‌هایی از مصرف سیگار توسط دانش‌آموزان در کلاس درس و سرویس‌های بهداشتی مدارس کنار مشاهده نوجوانانی که پیش از ورود به مدرسه یا در مسیر رفت‌وآمد از ویپ و سیگارهای الکترونیکی استفاده می‌کنند بار دیگر موضوع مصرف این مواد در سنین پایین و نحوه دسترسی دانش‌آموزان به این محصولات را مطرح کرده است. در گفت‌وگویی که با دانش‌آموز 14ساله که از سیگار و ویپ استفاده می‌کند، داشتیم، او دلیل مصرف را احساس خوبی عنوان کرد که به‌دقت خودش پس از استفاده از این محصولات تجربه می‌کند. این دانش‌آموز همچنین گفت که می‌تواند بدون اطلاع والدینش سیگار تهیه کند و ویپ را نیز به‌صورت اینترنتی سفارش دهد و در خانه تحویل بگیرد. این صحبت‌ها پرسش مهمی را پیش‌روی خانواده‌ها و دستگاه‌های مسئول قرار می‌دهد مبنی بر اینکه؛ نوجوانان از چه‌مسیرهایی به محصولات دخانی و نیکوتینی دسترسی پیدا می‌کنند و سازوکارهای موجود تا چه‌اندازه در پیشگیری از این دسترسی مؤثرند؟ویپ یا سیگار الکترونیکی نیز به‌خلاف تصویری که گاهی درباره بی‌خطربودن آن وجود دارد لزوماً فاقد نیکوتین نیست، سازمان جهانی بهداشت اعلام کرده است بسیاری از این محصولات حاوی نیکوتین اعتبارداور هستند و آئروسل حاصل از آن‌ها می‌تواند مواد سمی و زیان‌آور داشته باشد. مصرف نیکوتین در دوران نوجوانی همچنین می‌تواند بر رشد مغز و عملکردهایی مانند یادگیری، توجه و کنترل تکانه تأثیر منفی بگذارد.

در چنین شرایطی، پیشگیری از مصرف این مواد میان دانش‌آموزان صرفاً با هشدارهای آموزشی محقق نمی‌شود، دسترسی به محصولات، نظارت بر محل‌های عرضه، شناسایی زودهنگام رفتارهای پرخطر و توانمندسازی خانواده‌ها نیز باید در این مسیر مورد توجه قرار گیرد،در همین ارتباط با سمیه ابراهیمی مدیرکل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش‌وپرورش گفت‌وگویی داشتیم.

فقایلت 34هزار مدرسه در برنامه کانون‌های یاریگران زندگی

سمیه ابراهیمی مدیرکل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش‌وپرورش در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری تسنیم درباره اقدامات پیشگیرانه این وزارتخانه اظهار کرد: برنامه کانون یاریگران زندگی با هدف ظرفیت‌سازی برای جلب مشارکت همسالان در پیشگیری اولیه از اعتیاد و رفتارهای پرخطر طراحی و تدوین شده است، این برنامه ذیل برنامه کلان یاریگران زندگی قرار دارد که در جلسه 136 ستاد مبارزه با مواد مخدر به تصویب رسیده است.

وی توضیح داد: در این برنامه تلاش می‌شود با تشکیل و شبکه‌سازی گروه‌های همیار دانش‌آموزی و مشارکت ذی‌نفعان مدرسه و محله، زمینه توانمندسازی دانش‌آموزان در حوزه پیشگیری از اعتیاد و رفتارهای پرخطر فراهم شود.به‌گفته ابراهیمی؛ دانش‌آموزان با همراهی والدین، مدرسه و ذی‌نفعان محلی در شناسایی رفتارهای پرخطر، تدوین راهکارهای پیشگیرانه، جلب حمایت، طراحی و اجرای پروژه‌های کوچک مدرسه‌ای و مستندسازی اقدامات مشارکت می‌کنند.مدیرکل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش‌وپرورش با اشاره به آغاز اجرای این برنامه از سال 1398 گفت: در سال تحصیلی 1405 _ 1404 حدود 34 هزار مدرسه عضو کانون‌های یاریگران زندگی بوده‌اند.

مشاور در 21هزار مدرسه؛ وضعیت سایر مدارس چیست؟

یکی از محورهای مهم پیشگیری از رفتارهای پرخطر در مدارس، شناسایی به‌موقع دانش‌آموزان در معرض آسیب و فراهم کردن امکان دسترسی آن‌ها به خدمات مشاوره‌ای است.ابراهیمی دراین‌باره گفت: در زمان حاضر در 21 هزار مدرسه مشاور حضور دارد و اولویت استقرار مشاوران با مدارس مناطق آسیب‌پذیر است. در مدارس که مشاور مستقر ندارند، معلمان آموزش‌دیده به‌عنوان رابط مشاور فعالیت می‌کنند و خدمات مشاوره‌ای و ارجاعی نیز از طریق این افراد و مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی مناطق ارائه می‌شود.شناسایی تغییرات رفتاری، آفت تحصیلی ناگهانی، تغییرات خلقی و انزوای اجتماعی، کنار گفت‌وگوی مشاوره‌ای بدون انگ‌زنی و ارجاع موارد پرخطر به مراکز تخصصی، می‌تواند در رسیدگی زودهنگام به مشکلات دانش‌آموزان مؤثر باشد.

مدیرکل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش‌وپرورش درباره همکاری میان دستگاه‌های مسئول برای رسیدگی به آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان اظهار کرد: محور اصلی این همکاری‌ها در قالب ائتلاف ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان با عنوان نماد شکل گرفته است. به‌گفته وی؛ این سازوکار بر اساس قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، سند ائتلاف نماد، آیین‌نامه اجرایی آن و برنامه هفتم توسعه دنبال می‌شود و 14 نهاد از جمله وزارت بهداشت، فراجه، سازمان بهزیستی، قوه قضائیه و وزارت آموزش‌وپرورش در آن عضویت دارند.

بازگشت آزمایشگاه مرجع طاعون به مدار؛چه زمانی نگران «مرگ سیاه» باشیم؟



کرد؛ خوشبختانه با تغییر شیوه زندگی مردم، دسترسی مناسب به آنتی‌بیوتیک‌ها و فراهم بودن ظرفیت تشخیصی این بیماری در کشور، طاعون دیگر در کشور ما به عنوان یک تهدید بهداشتی جدی مطرح نیست.وی با اشاره به سابقه اقدامات تشخیصی و کنترلی در کشور افزود: انسیتیتو پاستور ایران از سال 1325 مطالعات پایشی و ظرفیت تشخیصی این بیماری را در کشور رافاندازی کرده است. در پی ایجاد این ظرفیت، یک پایگاه تحقیقاتی در منطقه ای واقع در روستای اکنلو در شهرستان کبودرآهنگ همدان دایر شد که مرکز مطالعات میدانی انسیتیتو پاستور ایران برای بیماری طاعون در کشور محسوب می‌شود. مصطفوی در پایان خاطرنشان کرد: به‌محوریت این پایگاه و مرکز تحقیقات بیماری های نوپدید و بازپدید انسیتیتو پاستور ایران، مطالعات پایشی متعددی انجام گرفته است که نتایج آن‌ها گویای این است که بیماری طاعون به شکلی بسیار محدود، همچنان در حیات وحش و در میان جوندگان صحرایی مناطقی از شمال‌غربی کشور در حال گردش است.عضو هیات علمی انسیتیتو پاستور ایران با تأکید بر ضرورت استمرار پایش بیماری در کشور اظهار کرد: به‌دلیل وجود کانون‌های طبیعی بیماری در کشور، پایش مستمر بیماری، به‌ویژه در مخازن احتمالی حیوانی و ناقلین، زمینه یک نظام مراقبت پیشگیرانه در انسان را فراهم می‌کند. در عین حال، در مناطق پرخطر باید آموزش گروه‌های بهداشتی و درمانی در ارتباط با علائم این بیماری و راه‌های پیشگیری و درمان صورت پذیرد.رئیس انسیتیتو پاستور ایران با اشاره به ارتقای توانمندی‌های آزمایشگاه‌های ظرفیت گفت: در کنار مطالعات پایشی در حوزه حیات وحش، ظرفیت‌های تشخیصی بیماری نیز در کشور ارتقا پیدا کرده است؛ به‌طوری‌که از سال 1395 آزمایشگاه ملی مرجع تشخیص بیماری طاعون در انسیتیتو پاستور ایران فعالیت می‌کند. در حال حاضر این ظرفیت تشخیصی در مجموعه فعال است و

■ احسان مصطفوی رئیس انسیتیتو پاستور ایران درباره عامل بیماری طاعون اظهار کرد: بیماری طاعون ناشی از یک باکتری به نام «یرسینیا پستیس» است که به طور معمول در حیات وحش در گردش بوده و جوندگان، مخزن اصلی آن به شمار می‌روند. این باکتری اغلب از طریق نیش کک از حیوانی به حیوان دیگر انتقال می‌یابد.

وی با اشاره به تنوع مخازن حیوانی این بیماری افزود: بر اساس گزارش‌های علمی، برخی حیوانات دیگر نیز می‌توانند نقش مخزن را ایفا کنند؛ به عنوان نمونه گوسفندان در چین و همچنین بز و شتر در بخش‌هایی از خاورمیانه و شمال آفریقا به عنوان مخازن این باکتری گزارش شده‌اند. همچنین خرگوش‌های صحرایی هم می‌توانند مخزن مناسبی برای تکثیر این باکتری باشند.مصطفوی پیرامون علائم و اشکال بالینی طاعون خاطرنشان کرد: این بیماری به سه شکل بالینی «خیراکی»، «ریوی» و «سپتی‌سمیک» تظاهر پیدا می‌کند. نکته حائز اهمیت این است که اگر بیماری در مراحل اولیه و زمان مناسب تشخیص داده نشود و تحت درمان قرار نگیرد، می‌تواند کشنده باشد.رئیس انسیتیتو پاستور ایران تصریح کرد: انسان میزبان اصلی بیماری نیست بلکه «میزبان اتفاقی» محسوب می‌شود. در صورتی که فرد توسط کک آلوده گزیده شود یا حیوانات و دام‌های آلوده تماس محافظت‌نشده داشته باشد، در معرض ابتلا قرار می‌گیرد. در طاعون ریوی، بیماری معمولاً از فردی به فرد دیگر از طریق هوا و قطرات تنفسی عفونی منتقل می‌شود.وی با مقایسه شرایط فعلی با پاندمی‌های مرگبار تاریخی این بیماری گفت: خوشبختانه امروزه درمان‌های آنتی‌بیوتیکی مؤثری برای طاعون وجود دارد و امکان تشخیص بیماری وجود دارد و بر خلاف گذشته که این بیماری پاندمی‌های سهمگینی با تلفات بالا رقم می‌زد، اکنون نگرانی از این بیماری کمتر است. با این حال، همانند سایر عفونت‌های باکتریایی، نگرانی جدی جامعه پزشکی پدیدار شدن سویه‌های مقاوم به آنتی‌بیوتیک است که در صورت وقوع، خطر و تهدید این عامل بیماری‌زا را به شدت افزایش خواهد داد. این متخصص اپیدمیولوژی گفت: واکنشیانسوپطاعون فقط برای افرادی توصیه می‌شود که در معرض خطر بالای ابتلا به طاعون قرار دارند. افرادی که در معرض آلودگی قرار بگیرند ممکن است با داروهای پیشگیرانه درمان شوند. در صورت ابتلا، درمان با آنتی‌بیوتیک و مراقبت حمایتی است. خطر مرگ در صورت عدم دریافت درمان حدود 70 درصد است.رئیس انسیتیتو پاستور ایران در پاسخ به این پرسش که آیا طاعون بیماری مختص کشورهای محروم است یا خیر، بیان کرد: در سراسر جهان، سالانه حدود 600 مورد طاعون گزارش می‌شود و به هیچ وجه منحصر به مناطق فقیرنشین نیست؛ هر جا که باکتری در حیات وحش در گردش باشد، خطر انتقال به انسان وجود دارد. در حال حاضر کشورهایی نظیر آمریکا و پرو در قاره آمریکا، و همچنین کنگو و ماداگاسکار در قاره آفریقا سالانه مواردی از ابتلای انسانی به طاعون را به صورت رسمی به سازمان بهداشت جهانی گزارش می‌کنند. رئیس انسیتیتو پاستور ایران درباره وضعیت این بیماری در کشور اظهار

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاپی گرافیکست و صفحه آرآ | آراد عبداللهی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی ناظر هنری | محمدرضا مهدیانی
تلفن | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸ _ ۰۹۹۳۱۳۴۶۶۳۴ آگهی ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۳۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



سیگار و ویپ در مدرسه

انتشار فیلم هایی از مصرف سیگار توسط دانش آموزان در کلاس درس و سرویس های بهداشتی مدارس کنار مشاهده نوجوانانی که پیش از ورود به مدرسه یا در مسیر رفت و آمد از ویپ و سیگارهای الکترونیکی استفاده می کنند

پس از ۷ سال در صدر

اکران مجدد فیلم «انتقام جویان: آخر بازی» با فروش ۲۶ میلیون دلاری جایگاه نخست فهرست فروش را از آن خود کرد و «قلب هیولا» و «پرایم تایم» پس از آن جای گرفتند.

جودو در ناگویا؛ تداوم ناکامی و ناامید کننده

رقابت های جودوی بازی های آسیایی ۲۰۲۶ آچی - ناگویا در شرایطی به پایان رسید که جودوی ایران برای دومین دوره متوالی از دستیابی به مدال بازماند تا بار دیگر فاصله جودوی ایران با مدعیان آسیا مشخص شود. حاصل تلاش تیم شش نفره کشورمان در بازی های آسیایی ناگویا، شکست سه نماینده ایران در دیدارهای رده بندی و حذف سه جودوکار دیگر در نخستین مبارزه بود تا جودوی ایران بار دیگر بدون مدال به کار خود در این رویداد پایان دهد. این در حالی است که ایران در یازده دوره برگزاری مسابقات جودوی بازی های آسیایی، تنها در چهار دوره دست خالی به کشور بازگشته و در هفت دوره دیگر موفق به کسب یک مدال طلا، هشت نقره و ۱۱ برنز شده است. آماری که فاصله عملکرد امروز جودوی ایران با روزهای مدال آوری این رشته را برجسته می کند. جودوی کشورمان پس از پایان دوره تعلیق چهارساله، در خردادماه ۱۴۰۲ به میادین بین المللی بازگشت و با فاصله ای کوتاه در بازی های آسیایی هانگزو، که به سال ۲۰۲۳ منتقل شده بود، شرکت کرد. تیم چهارنفره ایران در آن رقابت ها نیز توفیقی در کسب مدال نداشت؛ اتفاقی که با توجه به دوری چهارساله جودوی ایران از مسابقات، چندان دور از انتظار نبود. با این حال، انتظار می رفت هانگزو نقطه شروعی برای بازسازی این رشته و بازگشت تدریجی آن به روزهای خوب گذشته باشد. انتظاری که در سه سال اخیر محقق نشد و ناکامی در ناگویا بار دیگر آن را به یکی از پرسش های جدی درباره آینده جودوی ایران تبدیل کرد. نتایج جودوی ایران در سال های اخیر تصویر امیدوارکننده ای از شرایط این رشته ارائه نمی دهد. عدم توفیق در کسب مدال در آخرین حضور در قهرمانی آسیا، دستیابی به یک مدال برنز در بازی های کشورهای اسلامی و اعزام تنها یک نماینده به رقابت های قهرمانی جهان در باکو در روزهای گذشته و حذف او در دور نخست، همگی ضرورت بازنگری در مسیر طی شده را نشان می دهند. مجموعه این نتایج، این پرسش را مطرح می کند که چرا با وجود وعده های متعدد، برنامه های عملیاتی فدراسیون جودو پس از دوران تعلیق نتوانسته همگام با رشد جودوی آسیا و جهان پیش برود؟



جان فشان اولین مدال ایران را قطعی کرد

حسن جان فشان تنها نماینده رشته پارانتیس روی میز ایران در بازی های پاراآسیایی ۲۰۲۶ ناگویا، عصر امروز دومین دیدار خود در مرحله گروهی را برگزار کرد. جان فشان که سابقه مدال آوری در بازی های پاراآسیایی را دارد، در گروه کلاس ۲ مقابل «چنگ لائو چو» از ماکائو قرار گرفت و ۳ بر یک به برتری رسید.

نماینده کشورمان که با ۶۰ سال سن، مسن ترین ورزشکاران کاروان ایران محسوب می شود، در گیم اول ۱۲ بر ۱۰ باخت، اما در گیم های بعدی ۱۱ بر یک، ۱۱ بر ۳ و ۱۱ بر ۲ برنده شد. جان فشان که صبح امروز نماینده ژاپن را مغلوب کرده بود، با کسب دو برد در صدر گروه قرار گرفت. او با صعود به مرحله یک چهارم نهایی، در این مرحله با قرعه استراحت مواجه شد و گام به نیمه نهایی گذاشت. بدین ترتیب مدال برنز جان فشان قطعی شد.

اکبرپور: آسانی تنها ستاره استقلال نیست

شما ببینید وقتی فرعباسی درون دروازه به خوبی وظیفه اش عمل می کند یا اینکه مدافعان در کارهای دفاعی عملکرد خوبی دارند، باعث می شود که تیم در فاز هجومی خوب باشد.

«نتایج خوب تیم باعث شده است که کسی به پنجره بسته باشگاه فکر نکند.» وی ضمن بیان این جمله عنوان کرد: نتایج استقلال در لیگ و 2 برد پیاپی در لیگ نخبگان باعث شد که مسئله مهم بسته بودن پنجره نقل و انتقالاتی باشگاه به فراموشی سپرده شود؛ در صورتی که مدیران باشگاه باید تمام هم و غم خودشان را بگذارند و هرچه زودتر این موضوع را حل کنند.

ما الان در شروع فصل و مسابقات هستیم و هرچه جلوتر می رویم، فشرده گی مسابقات بیشتر می شود. هر لحظه ممکن است با مصدومیت و محرومیت یک بازیکن به مشکل بخوریم.

پیشکسوت استقلال با اشاره به خروج آسانی از زمین در دیدار با تراکتور اظهار داشت: دیدیم بعد از مصدومیت و تعویض آسانی، همه نگران بازی با الغرافه و عدم بازی کردن این بازیکن بودند، بنابراین باید شرایط به گونه ای باشد که تیم داخل زمین و بیرون زمین استقلال باید کارشان را به خوبی انجام دهند و مدیران استقلال تنها دغدغه شان باید باز شدن پنجره باشگاه باشد. استقلال باید در سه جبهه بجنگد. علاوه بر این، آبی ها ملی پوشان زیادی دارند که ممکن است با خطر مصدومیت روبه رو باشند.

اکبرپور در ادامه صحبت های خود تصریح کرد: استقلال نیاز شدید دارد که نیمکت اش را تقویت کند و کادر فنی، بازیکن جایگزین خوب داشته باشد تا در شرایط بحرانی بتواند به ترکیب اش اضافه کند. استقلال فصل بسیار سختی را پیش رو دارد و همه باید به بازیکنان و کادر فنی کمک کنیم تا بهترین نتیجه را کسب کنند.

علیرضا اکبرپور درباره دومین برد تیم فوتبال استقلال در لیگ نخبگان مقابل الغرافه قطر اظهار داشت: استقلال همانند بازی با السد می دانست از این بازی هم چه چیزی می خواهد و با ارائه یک بازی هدفمند و منطقی سعی کرد که مقابل دومین نماینده قطر هم به پیروزی برسد. با توجه به اینکه در زمین حریف بازی می کردیم، سه امتیاز شیرینی به دست آوردیم.

وی با اشاره به فرصت سوزی های مهاجمان استقلال تصریح کرد: من فکر می کنم اگر استقلال کمی خوش شانس بود و بازیکنان دقت بیشتری داشتند می توانستیم بیشتر هم گل بزنییم که متأسفانه این اتفاق نیفتاد. به عقیده من کسب 2 پیروزی پیاپی و حضور در بالای جدول باعث می شود که اعتماد به نفس تیم بالا برود و در هفته های بعد، بازیکنان و کادر فنی با شرایط بهتری به بازی های بعدی فکر کنند.

پیشکسوت استقلال در مورد عملکرد آبی ها در فصل 1405-06 به تسنیم گفت: خوشبختانه تا به اینجای فصل شرایط برای استقلال خوب پیش رفته است. البته این را هم نباید نادیده بگیریم که تمام اعضای تیم همدل هستند تا تیم به موفقیت برسد.

برخی اتفاقات مانند پنجره بسته باشگاه باعث شد تا استقلال امسال یک تیم متفاوت شود و همه از کوچک تا بزرگ تیم برای موفقیت تیم تلاش کنند. ان شاء الله این شرایط و روند تیم ادامه داشته باشد تا هواداران استقلال در پایان فصل از کسب نتایج و پیروزی های متوالی خوشحال باشند.

اکبرپور درباره گلزنی دوباره یاسر آسانی برای استقلال خاطرنشان کرد: شکی نیست که آسانی ستاره استقلال است و با عملکرد خوبی که داشته، بازی اش بیشتر به چشم می آید.

با این حال نباید غافل از این باشیم که نتایج خوب استقلال تنها بابت حضور آسانی نیست؛ بلکه کل تیم خوب بازی می کند و همه بازیکنان - از دروازه بان گرفته تا مهاجمان - وظایف خود را به خوبی انجام می دهند تا تیم به موفقیت برسد.



شهرت با،
افراد نادان را برده خود می سازند



کارت بازی «بیرو» تمدید می شود؟

علیرضا بیرانوند پس از چند روز تنش با مالک و مدیران باشگاه تراکتور، با یک عذرخواهی و تمدید قرارداد سه ساله به تمرینات این تیم بازگشت. پس از این اتفاق، علیرضا بیرانوند و مدیران باشگاه تراکتور مدعی هستند که این بازیکن با توجه به زمان اعزام خود به خدمت سربازی یعنی اول آبان ماه؛ می تواند در دو دیدار آینده مقابل ملوان و صنعت نفت آبادان تیمش را همراهی کند. این در حالی است که کارت بازی علیرضا بیرانوند با توجه به مجوز قبلی سازمان نظام وظیفه، تا ۱۹ مهرماه اعتبار داشت و پس از این تاریخ، نیازمند مجوز جدید است. پیگیری خبرنگار تسنیم از سازمان لیگ نیز نشان می دهد فعلاً نامه جدیدی برای تمدید کارت بازی علیرضا بیرانوند به سازمان لیگ ارائه نشده است و کارت بازی قبلی این بازیکن منقضی شده است.